

## پژوهشهای حقوق جزا و جرم‌شناسی

علمی - پژوهشی

شماره ۵

هزار و سیصد و نود و چهار - نیمسال اول

- الزامات و سازوکارهای پلیس اطفال و نوجوانان در ایران (مطالعه تطبیقی: حقوق آمریکا)  
۵  
حسنعلی مؤذن‌زادگان - حسین جوادی
- حمایت از کودکان در سازوکارهای قضایی و غیرقضایی تعقیب کیفری  
۴۹  
نقض حقوق آنان  
رضا اسلامی - فروزان باقری
- قانونمندی: بنیاد پوزیتیویستی تأسیسات کیفری حقوق بین‌الملل  
۷۵  
آرامش شهبازی
- تطبیق فرآیند تفتیش و بازرسی در الگوی دادرسی کیفری ایران و آمریکا  
۹۵  
غلامحسن کوشکی - سحر سهیل مقدم
- راهکارهای حل تعارض میان تعهدات ناشی از استرداد و تعهدات حقوق بشری  
دولتها  
۱۳۵  
سیدقاسم زمانی - فرشته باقری
- خون‌صلح؛ حل‌وفصل سنتی قتل  
۱۵۷  
حسین غلامی - حسین مرادقلی





[http://jclc.sdil.ac.ir/article\\_42311.html](http://jclc.sdil.ac.ir/article_42311.html)

# الزامات و سازوکارهای پلیس اطفال و نوجوانان در ایران (مطالعه تطبیقی: حقوق امریکا)

حسنعلی مؤذن زادگان\* - حسین جوادی\*\*

## چکیده:

پلیس ویژه کودکان و نوجوانان به عنوان یکی از نهادهای اختصاصی نظام دادرسی اطفال، در ایران برای نخستین بار در لایحه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان (۱۳۸۳) پیش‌بینی و پس از آن به صورت ضمنی در قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه، مورد تأکید قرار گرفت. وانگهی به دلیل عدم تصویب لایحه و همچنین اجرایی نشدن قانون برنامه توسعه، قانونگذار در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و در ماده ۳۱ قانون آیین دادرسی کیفری ایجاد پلیس مخصوص اطفال و نوجوانان را پیش‌بینی و سازمان پلیس را مکلف به تشکیل آن نمود. اگرچه تشکیل پلیس ویژه می‌تواند در بهبود عملکرد سازمان پلیس و نظام عدالت کیفری در رابطه با اطفال و نوجوانان مؤثر باشد. نتایج حاصل از پژوهش حاضر نشان می‌دهد که تأسیس پلیس ویژه اطفال و نوجوانان بدون لحاظ الزامات خاص این گروه سنی و همچنین عدم بهره‌گیری از سازوکارهای ویژه و اختصاصی مؤثر نبوده در نهایت موجب فریبی و کاهش چالاکی بیشتر سازمان پلیس خواهد شد. بررسی تطبیقی موضوع در کشورهای مختلف و به ویژه امریکا نشان می‌دهد که لازمه کارآمدی و بهره‌وری پلیس اطفال و نوجوانان تغییر ساختار سازمانی، ایجاد نظام آموزشی نظام‌مند، پیش‌بینی سازوکارهای رفتاری و ارتباطی مؤثر، به کارگیری فرآیند انجام مصاحبه ویژه، پیش‌بینی ضمانت اجراهای قابل اجرا توسط پلیس و اتخاذ سازوکارهای

\* دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی

Email: moazenfadegan@gmail.com

\*\* دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسؤول)

Email: hossein\_javadi@ymail.com

پیشگیری پلیسی است. بر این اساس، باتوجه به نوظهور بودن آن در نظام عدالت کیفری ایران پژوهش حاضر بر آن است ضمن مطالعه اجمالی سیر تحولات تقنینی در رابطه با پلیس اطفال و نوجوانان در عرصه بین‌المللی و همچنین نظام حقوقی ایران و آمریکا، به صورت مشخص الزامات و سازوکارهای تشکیل پلیس کودکان و نوجوانان در ایران را شناسایی و با استفاده از تجربه سایر کشورها در این زمینه راهکارهای اجرایی و عملی با هدف تشکیل مناسب، اثربخش و کارآمد پلیس اطفال و نوجوانان ارائه نماید.

### کلیدواژه‌ها:

دادرسی افتراقی، ضابطان دادگستری، پلیس قضایی، پلیس ویژه اطفال و نوجوانان.

### مقدمه

پیش‌بینی و ایجاد پلیس ویژه اطفال و نوجوانان که نیروهای آن واجد توانایی‌های ویژه ارتباطی، اجتماعی، جرم‌شناختی و روان‌شناسی باشند، ضرورتی است که اهمیت وجود آن در نظام حقوقی ایران قابل تردید نیست. امروزه در تمامی نظام‌های نوین دادرسی تلاش می‌شود با اتخاذ تمهیداتی تا حد امکان کودک معارض، با قانون و دادگاه مواجه نشود.<sup>۱</sup> وانگهی به نظر می‌رسد هنوز ساختارهای لازم برای نیل به این هدف در نظام عدالت کیفری ایران ایجاد نشده است.<sup>۲</sup> به اعتقاد برخی، مهم‌ترین چالش در ارتباط با بزهکاری کودکان و نوجوانان فقدان دستگاه اجرایی تخصصی بهره‌مند از توانایی لازم جهت برقراری ارتباط با اطفال و نوجوانان است.<sup>۳</sup> علی‌رغم اینکه در حال حاضر در حوزه سیاست جنایی تقنینی مقررات متعددی در رابطه با کودکان و نوجوانان تدوین شده است وانگهی سازوکارهای ایجاد شده افتراقی برای اطفال و نوجوانان از ایجاد دادسرا و دادگاه ویژه تا شیوه دادرسی متفاوت و حتی

۱. سعیدکشفی، «جایگاه مددکاران اجتماعی و مشاوران پلیس زن در دادرسی ویژه کودکان و نوجوانان»، ۳۱.  
 ۲. به همین علت است که در سال‌های اخیر نظام قضایی علی‌رغم فقدان سازوکارهای لازم، به سمت توجه ویژه به حقوق کودک حرکت کرده است. بررسی پرونده‌های شعب رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان حاکی از آن است که سیاست جنایی قضایی ایران پیش از سیاست جنایی تقنینی در زمینه بزهکاری اطفال و نوجوانان متحول شده است و پافشاری برخی از قضات به پیروی از سیاست جنایی قضایی نوین سبب تحول سیاست جنایی تقنینی شده است. (برای مطالعه بیشتر، نک: خواجه‌نوری، «سیاست جنایی قضایی ایران در قبال کودکان بزهکار: جلوه‌ها، چالش‌ها و آثار»).

۳. کاپلار، مجموعه سخنرانی‌های ارائه شده در زمینه دادرسی ویژه نوجوانان سیون سوئیس.

پیش‌بینی مجازات‌های خاص، بدون توجه به ابتدایی‌ترین مرحله مواجهه طفل یا نوجوان با سامانه دادگری جنایی (ضابطان دادگستری) اثربخشی چندانی نخواهند داشت. توجه به هدف اصلی قانونگذار از پیش‌بینی نهادهای خاص در پیشگیری و کاهش اثرات ناشی از جرم در بین اطفال و نوجوانان بزهکار و یا بزه‌دیده ایجاب می‌کند که در مرحله نخستین برخورد مأموران انتظامی با اطفال و نوجوانان بزهکار و یا بزه‌دیده به الزامات و ویژگی‌های خاص این گروه سنی توجه شود، چرا که در غیر این صورت سایر سازوکارهای پیش‌بینی شده ناکارآمد بوده و بیشتر واجد جنبه‌های صوری و نمادین خواهند بود تا واقعی و حقیقی. این موضوع از آن جهت حائز اهمیت است که اولین برخورد پلیس با کودکان و نوجوانان می‌تواند تأثیر بسیاری بر این افراد داشته باشد و حتی تبدیل به عامل تحریک به ارتکاب جرم از سوی طفل و یا نوجوان با هدف انتقام از دستگاه عدالت کیفری و جامعه شود. در صورت برخورد نامناسب پلیس، جبران آثار آن به سادگی امکان‌پذیر نخواهد بود؛ زیرا به صورت کلی اشتباهات قضایی در مرحله دادرسی، دادگاه، و مراحل بالاتر قابل جبران است ولی اشتباهات و خطاهای پلیسی به سهولت قابل جبران نیست.<sup>۴</sup> از این رو، برخی از نویسندگان ایجاد پلیس ویژه اطفال و نوجوانان را جهت رسیدگی به بزهکاری این گروه سنی و پرهیز از برخورد نوجوانان با نظام قضایی رسمی ضروری می‌دانند.<sup>۵</sup> علاوه بر موارد پیش‌گفته به نظر می‌رسد ایجاد پلیس ویژه نه تنها برای اطفال و نوجوانان بزهکار و بزه‌دیده، و نهادهای خاص پیش‌بینی‌شده در قانون مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری بلکه برای سازمان پلیس نیز سودمند خواهد بود. توضیح آنکه با ایجاد واحدهای تخصصی پلیسی نظیر پلیس اطفال و نوجوانان ضمن تغییرات گسترده در بهره‌وری اداری و ارتقاء اثربخشی اقدامات انجام شده، هزینه‌های سازمانی کاهش و پویایی و چالاک‌سازی سازمانی افزایش می‌یابد. از این رو می‌توان برای پلیس اطفال و نوجوانان مجموعه‌ای از کارکردهای اجتماعی، فرهنگی و سازمانی در نظر گرفت. از حیث مبنایی علاوه بر موارد پیش‌گفته، تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان بر اساس رویکردهای متفاوتی قابل توضیح و تشریح است. از یک سو می‌توان تشکیل پلیس اطفال و نوجوانان را بر اساس گونه‌ها و مدل‌های مختلف سیاست جنایی توضیح داد. بر این اساس، از دیدگاه مکتب رفاه‌گرایی کیفری، مبنای تئوریک ایجاد پلیس اطفال و نوجوانان قابل تبیین است. بر اساس این دیدگاه،

۴. اقلیما و راهب، مددکاری فردی کار با فرد، ۶۲.

۵. الیاسی، «بایسته‌های دادرسی اطفال با تأکید بر جایگاه پلیس».

ایجاد سازوکارهای خاص برای رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان از جمله پلیس ویژه، بیش از آنکه به واسطه ویژگی‌ها و مشخصه‌های خاص این گروه باشد، تحت تأثیر شرایط فرهنگی، اجتماعی و سیاسی است که منجر به پیدایش الگوها و یا گونه‌های مختلف عدالت کیفری اطفال شده است.<sup>۷</sup> بر همین اساس، در دوره‌های مختلف روش‌های خاص برخورد با اطفال و نوجوانان بزهکار با توجه به طرح نظریه‌های گوناگون در جامعه متفاوت بوده است. بدین ترتیب، به نظر می‌رسد می‌توان اندیشه تشکیل پلیس ویژه کودکان و نوجوانان را به مکتب رفاه‌گرایی کیفری نسبت داد، در این مدل عدالت کیفری، بزهکار به نوعی بزه‌دیده شرایط اجتماعی تصور شده و تلاش می‌شود به جای توجه صرف به مجازات، سازوکارهای حمایتی توسعه یابد. بر همین مبنا مداخله زودرس در بزهکاری و استفاده از مجموعه سازوکارهای حمایتی توصیه می‌شود. در نتیجه شاید بتوان گفت اولین آماج مداخله زودرس در بزهکاری، برخورد با اعمال ارتكابی اطفال از طریق اولین نهاد عدالت کیفری (ضابطان دادگستری) باشد. یکی از رویکردهایی که در غالب الگوی رفاه‌گرایی کیفری عامل ایجاد نظام عدالت کیفری خاص برای کودکان و نوجوانان شد، تئوری تغییر مسیر<sup>۸</sup> (قضازدایی) است. این رویکرد که اولین بار توسط کوهن<sup>۹</sup> مطرح شد بر سیاست‌های مختلفی از قبیل زندان‌زدایی، عدم برخورد با نظام عدالت کیفری رسمی و استفاده از مسیرهای جایگزین به منظور اجتناب از فرآیند انگ‌زنی<sup>۱۰</sup> و برچسب‌زنی<sup>۱۱</sup> مجرمانه بر بزهکاری نوجوانان تأکید می‌کند. به عقیده جرم‌شناسان ظهور این رویکرد نقش عمده‌ای در اصلاحات نظام کیفری نوجوانان و ایجاد واحدهای تخصصی رسیدگی به جرایم اطفال داشت<sup>۱۲</sup>. در واقع به عقیده برخی<sup>۱۳</sup> برنامه‌های قضازدایی از نظر مبنایی برخاسته از تعامل سازمان‌ها و واکنش‌های اجتماعی نسبت به بزهکاری اطفال است. با گذشت زمان و توسعه نهادهایی که در آنها بر سیاست‌های تغییر مسیر تأکید می‌شد و تحت تأثیر رویکردهای مدیریت‌گرایی در حقوق کیفری<sup>۱۴</sup> که از سوی مدیران و

۶. غلامی، «الگوها یا گونه‌های عدالت کیفری اطفال»، ۹۰.

7. Diversion

8. Stanley Cohen

9. Stigmatization

10. labeling

11. McLaughlin and Muncie, *The Dictionary of Criminology*, 103.

۱۲. مهرا، «بازگشت مداخله نظام کیفری در قبال بزهکاری اطفال و نوجوانان در انگلستان»، ۱۱۷.

13. managerialism in criminal justice.

دستاندرکاران سامانه عدالت جنایی حمایت می‌شد این رویکرد توسعه پیدا کرد<sup>۱۴</sup> و نهادهای رسمی نیز تلاش کردند حداقل با هدف کاهش هزینه‌ها و تراکم فرآیندهای اداری از مسیرهای جایگزین استفاده کنند. بر این اساس، اتخاذ رویکردهای مبتنی بر مدیریت مشارکتی<sup>۱۵</sup> در نظام‌های عدالت کیفری یکی دیگر از مبانی تشکیل پلیس اطفال و نوجوانان به شمار می‌آید که با بهره‌گیری از دیدگاه‌های علم مدیریت قابل تبیین و توضیح است. مدیریت مشارکتی عبارت است از دخالت کارکنان رده‌های مختلف سازمان در فرآیند تبیین مسائل و مشکلات، تجزیه و تحلیل موقعیت و دستیابی به راه‌حل‌ها، به طوری که کارکنان در دستیابی به راه‌حل‌ها از قدرت تصمیم‌گیری بالایی برخوردار باشند و با سرپرستان و رؤسای خود همفکری کنند<sup>۱۶</sup>. برای مثال در سازمان پلیس، فرماندهان پلیس می‌توانند از افسران و رؤسای کلانتری‌ها بخواهند هر کدام در محدوده خود مسائل و مشکلات موجود را شناسایی و ضمن علت‌شناسی، سازوکارهای پیشگیری از آنها را نیز به صورت مشخص ارائه دهند. همچنین در مرحله بعد ضمن تخصیص منابع مالی، امکان اجرای برنامه‌های مورد نظر مهیا شود تا در نتیجه شرایط مدیریت در سطح خرد فراهم شود. در این رویکرد تلاش می‌شود گستره افراد درگیر با مسائل مبتلا به افزوده و از طریق سازوکارهای مشارکتی، به افراد نقش فعال در فرآیندهای اداری و قضایی داده شود. البته لازمه اتخاذ چنین رویکردی تغییر سنت‌های پذیرفته شده‌ای است که مدیریت را امری ذاتی، شخصی و محدود می‌انگارد و آن را در چارچوب ویژه قرار می‌دهد. هرچند در سال‌های اخیر در نظام قضایی ایران می‌توان جلوه‌هایی از رویکرد مدیریت مشارکتی را در برخی از سطوح مدیریتی شناسایی نمود وانگهی پیش‌شرط اتخاذ جامع و فراگیر آن تغییر نگرش مسؤولان دستگاه‌های مرتبط، ایجاد پارادایم دموکراسی سازمانی در نظام عدالت کیفری، اطمینان به کارکنان، افزایش انگیزش‌های شغلی و اعطای اختیارات ویژه به دست‌اندرکاران در سطوح مختلف از سازمان پلیس و نهاد دادسرا گرفته تا مرحله رسیدگی و صدور حکم است. امروزه به نظر می‌رسد اتخاذ رویکرد مشارکت‌محور در نظام عدالت کیفری نه یک انتخاب بلکه مبدل به ضرورتی اجتناب‌ناپذیر شده است. توجه به ضرورت‌های فوق‌الذکر می‌کند که رویکرد مدیریت مشارکتی در

14. Garland, "The limits of the sovereign state strategies of crime control in contemporary society".

15. Participatory management theory.

۱۶. حبیبی و فلاحی، «بررسی و شناسایی عوامل موفقیت نظام پیشنهادات (با تأکید بر بخش دولتی)»، ۸۳-۸۸.

عرصه‌های مختلف و از جمله در نظام عدالت کیفری اطفال و نوجوانان و در سازمان پلیس با هدف پیشگیری از وقوع جرم تعقیب شود. در واقع سامانه دادگری جنایی آنگاه می‌تواند به اهداف خود نزدیک و یا نائل آید که با کنار گذاشتن دیدگاه‌های سنتی و رویکردهای مبتنی بر دیکتاتوری سازمانی از تمام پتانسیل موجود در جهت اهداف عالی خود استفاده و در این راستا به کارکنان و دست‌اندرکاران نظام عدالت کیفری آزادی عمل لازم در تصمیم‌گیری و اجرا را اعطا نمایند.

بر اساس مبانی نظری تشکیل پلیس اطفال و نوجوانان می‌توان گفت پلیس ویژه کودکان و نوجوانان پلیس قضایی است که با آموزش‌های خاص جهت دخالت در کشف جرم، تعقیب، تحقیقات مقدماتی و کلیه مراحل رسیدگی به بزهکاری کودکان و نوجوانان به کار گرفته می‌شود.<sup>۱۷</sup> بر اساس تعریف دیگر پلیس اطفال و نوجوانان نهاد حمایتی مؤثری است که قبل از سایر مقامات قضایی، از وقوع جرم یا بروز حالت خطرناک اطفال و نوجوانان مطلع شده و تحقیقات مقدماتی را انجام می‌دهد.<sup>۱۸</sup> تعاریف پیش‌گفته با این اشکال اساسی مواجه است که به وظیفه پلیس ویژه در مرحله پیش از ارتکاب جرم و اتخاذ تدابیر پیشگیرانه توجه نشده است. ضمن آنکه پلیس ویژه صرفاً در محدوده بزهکاری اطفال و نوجوانان مطرح شده و به وظیفه پلیس در خصوص بزه‌دیدگی اطفال و نوجوانان اشاره نشده است. هرچند می‌توان بسته به وظایف پیش‌بینی شده برای پلیس اطفال و نوجوانان، تعریف موسع و یا مضیق از پلیس ویژه دست داد؛ در مجموع به نظر می‌رسد می‌توان پلیس ویژه اطفال و نوجوانان را بدین صورت تعریف نمود: یکی از واحدهای تخصصی پلیس که پس از طی آموزش‌های لازم به منظور پیشگیری از جرایم اطفال و نوجوانان در وهله اول و تسهیل روند پاسخ‌دهی به جرایم ارتكابی در مرحله بعدی با هدف حمایت از کودکان و نوجوانان بزهکار و بزه‌دیده در مرحله قبل و پس از وقوع جرم اقدامات لازم را طبق قانون به عمل می‌آورد.

بر اساس تعریف ارائه‌شده سوال اساسی آن است که آیا در حقوق ما جنبه‌های الزام‌آور تشکیل پلیس اطفال و نوجوانان شناسایی شده است؟ در صورت شناسایی آیا می‌توان با توجه به آنها راهبردهای اختصاصی پلیسی در رابطه با اطفال و نوجوانان را طراحی نمود؟ آیا مجموعه اصول پیشگیری پلیسی در نظام‌های عدالت کیفری پیشرو در حقوق کودکان (به

۱۷. جهانی و پورشکیبایی، «جایگاه پلیس ویژه کودکان و نوجوانان در فرآیند دادرسی کیفری»، ۴۷.

۱۸. الیاسی، «بایسته‌های دادرسی اطفال با تأکید بر جایگاه پلیس»، ۱۳۶.

ویژه امریکا) تدوین یافته است؟ و در صورت تدوین امکان الگوبرداری از آنها در نظام عدالت کیفری ایران وجود دارد؟ همچنین نقش پلیس در فرآیند پاسخ‌دهی به جرایم اطفال و نوجوانان چگونه قابل توضیح و تشریح است و آیا می‌توان ضمانت اجرای اختصاصی قابل اجرا توسط پلیس در رابطه با اطفال و نوجوانان شناسایی نمود؟

مفروض پژوهش حاضر عدم شناسایی الزامات تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان در حقوق ایران و به تبع آن فقدان پیش‌بینی سازوکارهای اختصاصی برای پلیس اطفال و نوجوانان است. فرضیه‌ای که می‌توان آن را علت اصلی عدم تشکیل پلیس اطفال و نوجوانان در نظام عدالت کیفری ایران علی‌رغم وجود مقررات متعدد در این خصوص دانست. بنابراین برای پاسخ به سوالات فوق لازم است ضمن مطالعه و بررسی الزامات خاص گروه سنی اطفال و نوجوانان، مجموعه سازوکارهای قابل اجرا در حقوق ایران و در سازمان پلیس به منظور ایجاد پلیسی کارآمد و اثربخش در رابطه با اطفال و نوجوانان مورد شناسایی قرار گیرد. بر این اساس استفاده از تجارب کشورهای پیشرو در ایجاد نظام‌های دادرسی افتراقی می‌تواند به درک ماهیت مسأله، اهمیت تشکیل، توجیه سازمانی، الزامات خاص گروه‌های سنی مختلف و سازوکارهای اختصاصی پیش‌بینی شده در رابطه با اطفال و نوجوانان کمک نماید. مطالعه نظام حقوقی امریکا به عنوان یکی از کشورهای پیشرفته در حوزه حقوق کیفری صغار که پلیس ویژه اطفال و نوجوانان را به صورت تخصصی و با پیش‌بینی مجموعه وظایف در مراحل پیشینی و پسینی ارتکاب جرم را در ایالت‌های مختلف به صورت متفاوت و با توجه به ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی و ترکیب جمعیتی و نژادی ایجاد نموده است می‌تواند ضمن آگاه نمودن متولیان ایجاد پلیس اطفال و نوجوانان در ایران، به طرح ایده‌های مختلف و متناسب با شرایط خاص نظام عدالت کیفری و اطفال و نوجوانان بزه‌کار و بزه‌دیده منتهی شود. بر این اساس، پژوهش حاضر ضمن مطالعه پیشینه تقنینی موضوع در حقوق بین‌الملل، نظام حقوقی امریکا و حقوق ایران به بررسی الزامات پلیس ویژه اطفال و نوجوانان، با نگاهی تطبیقی پرداخته، مجموعه سیاست‌ها و بایسته‌های پلیس اطفال و نوجوانان را که می‌تواند در نظام حقوقی ایران از جهت کاربردی مفید باشد ارائه می‌نماید.

## ۱- پیشینه تقنینی تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان

### ۱-۱- حقوق بین‌الملل

در عرصه بین‌المللی توجه به حقوق کودکان و نوجوانان در وهله اول با پیش‌بینی قواعدی



متمایز از سایر اقشار و در ادامه با تشکیل محاکم ویژه اطفال و نوجوانان توسعه یافت. هرچند تدوین و ایجاد دادرسی‌های ویژه برای اطفال و نوجوانان دارای سابقه طولانی نیست و عمر آن از یکصد سال تجاوز نمی‌کند. از لحاظ تاریخی پیدایش چنین دادرسی‌هایی را باید مربوط به سال ۱۸۹۹ میلادی (۱۲۷۸ شمسی) دانست که دادگاه نوجوانان کوک‌کانتی (cock county) در شهر شیکاگو (ایالات متحده آمریکا) تأسیس شد. به تدریج این شیوه دادرسی وارد کشورهای دیگر جهان شد و با نقش مهمی که به عهده گرفت مجموعه مقررات بین‌المللی مربوط به دادرسی ویژه نوجوانان مصوب سازمان ملل متحد به سرعت گسترش یافت.<sup>۱۹</sup> با گذشت از این مرحله می‌توان شاهد پیشنهاد ایجاد ضابطان ویژه دادگستری و تخصصی شدن فعالیت ضابطان در رابطه با اطفال و نوجوانان در صحنه مقررات حقوق بین‌الملل بود. بر اساس معاهده حقوق کودک (سازمان ملل متحد ۱۹۸۹)<sup>۲۰</sup> تخصص در شیوه‌های برخورد اولیه، مصاحبه، اصول اطلاعات، حمایت، ارائه راهکارهای لازم و ارجاع به نهادهای حامی ذی‌ربط اعم از پزشک، اقامتگاه موقت و دائم، مراکز بازپروری موقت، مورد نیاز مبرم پلیس اطفال است و در شهرهای بزرگ، باید واحدهای پلیس خاصی برای این منظور تأسیس کرد. همچنین در این مقررات آموزش ضابطان ویژه دادگستری در ارتباط با کودکان و نوجوانان مورد تأکید قرار گرفته است. بر این اساس معاهده حقوق کودک (قاعده ۱-۱۲) مقرر می‌کند: افسران پلیس که غالباً یا منحصراً به امور نوجوانان می‌پردازند یا عمدتاً به پیشگیری از جرایم نوجوانان مشغولند، برای آنکه وظایفشان را به بهترین نحو انجام دهند، باید به شیوه خاصی آرموده و ورزیده شوند. در مجموع برای رعایت حقوق کودک مقرراتی در کنوانسیون حقوق کودک پیش‌بینی شده است که به مقررات چهار (p) شناخته می‌شود که عبارتند از: توجه به نیازهای اولیه کودکان<sup>۲۱</sup>، حمایت<sup>۲۲</sup>، پیشگیری<sup>۲۳</sup> و مشارکت<sup>۲۴</sup>.<sup>۲۵</sup> همچنین در مقررات حداقل استاندارد سازمان ملل متحد برای دادرسی ویژه نوجوانان (مقررات پکن) در بند (۱) ماده (۱۲) آمده است: پلیس کودک و نوجوانان به عنوان

۱۹. مندنی، «معیارهای دادرسی عادلانه ناظر به اطفال و نوجوانان در لوایح دید؛ با تأملی بر راهبردی از نظام عدالت کیفری انگلستان».

20. Convention on the rights of the child.

21. Provision

22. Protection

23. Prevention

24. Participation

۲۵. کشفی، «نقش پلیس در دادرسی کودکان و نوجوانان»، ۳۴.

ضابط دادگستری و مأمور قانون برای عملکرد صحیح و مطلوب، باید به تعاریف قانونی استناد کنند. بنابراین، لازم است آشنایی کافی با قانون و اختیارات قانونی خویش داشته باشند و به آنها آموزش‌های ضمن خدمت داده شود. همچنین ماده ۱۱/۲ مقرر می‌دارد که پلیس یا سایر نهادهای مرتبط با پرونده‌های اطفال و نوجوانان معارض با قانون باید اختیار حل و فصل چنین پرونده‌هایی را بدون توسل به رسیدگی رسمی، بر طبق معیارهای پیش‌بینی شده برای آن در هر نظام حقوقی و نیز بر اساس اصول مندرج در این قانون بر طبق صلاحیت‌شان داشته باشند. رعایت سرعت عمل در انجام وظایف در هنگام برخورد با کودکان و نوجوانان بزهکار موضوع دیگری است که در بند (۲) ماده (۱۱) مقررات پکن توصیه شده است. مطابق این ماده پلیس و دادرس‌ها در مورد اطفال و نوجوانان لازم است بدون رعایت تشریفات عادی در اسرع وقت اقدام کنند. به علاوه عدم ارجاع پرونده اطفال و نوجوانان بزهکار تا حد امکان از وظایف ویژه ضابطان دادگستری در رابطه با اطفال و نوجوانان دانسته شده است. طبق قاعده ۲-۱۱ مقررات پکن<sup>۲۶</sup> نیروی انتظامی، دادستانی یا سایر نهادهای رسیدگی‌کننده به پرونده‌های نوجوانان دارای اختیار خواهند بود تا در مورد این‌گونه پرونده‌ها بنا به صلاحدید خود، بدون ارجاع به رسیدگی‌های رسمی طبق ضوابطی که بدین منظور در نظام قضایی مربوطه مقرر گردیده تصمیم‌گیری کنند. از دیگر مقررات مربوط به وظایف پیش‌بینی شده در مورد ضابطان می‌توان به بند (۱) ماده (۱۰) اشاره نمود. مطابق این بند پس از توقیف نوجوان مراتب فوراً به اطلاع والدین و یا سرپرست او خواهد رسید و در صورت عدم اطلاع فوری آنها ظرف کوتاه‌ترین مهلت ممکن مطلع خواهند شد.

### ۱-۲- حقوق امریکا

توجه به عدالت کیفری اطفال و نوجوانان<sup>۲۷</sup> در امریکا طی قرن اخیر با تحولات گسترده‌ای همراه بوده است. اساساً در این کشور نظام عدالت کیفری اطفال به منظور حمایت و حفاظت از اطفال و نوجوانان در برابر نظام عدالت کیفری رسمی ویژه بزرگسالان و افزایش اختیارات مقامات ویژه اطفال و نوجوانان در تصمیم‌گیری در خصوص این گروه سنی ایجاد شده، به

۲۶. ایران حسب ماده واحده ۱۳۷۲ به صورت مشروط به این معاهده ملحق گردیده است. طبق مصوبه مذکور هرگاه مفاد معاهده در هر زمان و در هر مورد در تعارض با قوانین داخلی و موازین اسلامی قرار گیرد از طرف دولت لازم‌الرعایه نیست.

صورتی که بازیگران عدالت کیفری اطفال توانایی اتخاذ بهترین تصمیم را با هدف توجه حد اکثری به منافع طفل و یا نوجوانان داشته باشند. در واقع هدف اصلی نظام عدالت کیفری اطفال کمک به بازپروری و اصلاح اطفالی است که به دلیل مشکلات خانوادگی و یا شخصیتی و روانی مرتکب جرم شده‌اند. تاریخچه توجه ویژه به حقوق اطفال و نوجوانان در حقوق امریکا به اواسط دهه ۱۹۷۰ بر می‌گردد. اگرچه در این زمان بیش از آنکه ایجاد نهادهای تخصصی پلیسی در رابطه با اطفال و نوجوانان در دستور کار مقامات نهادهای عدالت کیفری باشد، دادگاه‌های ویژه اطفال و نوجوانان تشکیل شد و در نتیجه سازوکارهای اختصاصی برای پلیس ویژه اطفال و نوجوانان مقرر نشد. نکته قابل توجه آن که قبل از اوایل قرن بیستم پلیس امکان دستگیری نوجوانان (حتی بیش از افراد عادی) به دلیل معرض اتهام بودن و عدم حمایت قانونی از آنها را دارا بود.<sup>۲۸</sup> علی‌رغم این موضوع معمولاً نحوه برخورد مقامات پلیسی به صورت غیر رسمی و از طریق روش‌هایی مانند هشدارهای پلیسی، سپردن طفل به پدر و مادر و یا قیم قانونی و یا واگذاری به یک نهاد عمومی مانند کلیسا و یا مدرسه صورت می‌گرفت.<sup>۲۹</sup> به لحاظ تاریخی زمینه‌های تشکیل پلیس اطفال و نوجوان در امریکا را می‌توان به قبل از دهه ۱۹۳۰ نسبت داد. توضیح آنکه در این زمان سازمان پلیس تحت تأثیر مسائل سیاسی، در مقابل تضمین حفظ شغل و یا استخدام نیروهای مورد نظر در رقابت‌های انتخابی به نفع حزب خاصی شرکت می‌کرد. در نتیجه افسران گشت پلیس از مناطقی انتخاب می‌شدند که در آن سکونت داشتند و نسبت به جوانان ساکن در حوزه استحفاظی خود اطلاع داشتند و به همین خاطر بسیاری از جرایم آنها به صورت غیر رسمی حل و فصل می‌شد. در نتیجه مشخص شد خانواده‌های جوانان بزهکار و ارتباطات سیاسی آنها اثرگذارتر از اقدامات پلیسی رسمی است. این شیوه ارتباط پلیس با نوجوانان در طول زمان مورد بررسی قرار گرفت و زمینه تخصصی شدن پلیس را فراهم نمود. در واقع هر چند هدف پلیس در این زمان صرفاً کاهش آمار رسیدگی‌های رسمی به منظور نمایش امنیت پایدار در حوزه‌های استحفاظی بود و همین مسأله در نتیجه موجب ابقاء و یا ترفیع آنها می‌شد. اما همین مسأله نشان داد زمانی که به جرایم اطفال و نوجوانان به صورت غیررسمی و از طریق نهاد خانواده و سایر نهادهای اجتماعی رسیدگی می‌شود نه تنها از پرچسب‌زنی مجرمانه به طفل و یا نوجوان جلوگیری

۲۸. نک: فرجیها، «جرم‌انگاری فرهنگ جوانی».

29. Bartollas and Miller, *Juvenile Justice in America*.

می‌شود بلکه سبب می‌شود با حمایت و توجه بیشتر به طفل زمینهٔ اصلاح وی نیز فراهم شود. با گذشت از این مرحله جنبش تخصصی شدن پلیس در نتیجه جریان بنیانگذاری استانداردهای حرفه‌ای در پلیس و توسعه فناوری در امریکا شکل گرفت.<sup>۳۰</sup> هدف بنیادین این جنبش تخصصی شدن پلیس با هدف حذف کنترل سیاسی بر پلیس، ارتقاء کیفیت پرسنل، انتخاب مسؤولان صلاحیت دار برای فرماندهی پلیس، افزایش توان پلیس برای مقابله با جرم و ایجاد واحدهای ویژه پلیسی برای رسیدگی به مسائل خاص بود. بر این اساس، مجموعه‌ای از پلیس‌های ویژه در امریکا در اوایل قرن بیستم تشکیل شد. از این زمان به بعد بود که واحدهای پلیسی تلاش کردند به صورت تخصصی مشکل جرایم اطفال و نوجوانان را شناخته و رسیدگی به بزهکاری و بزه‌دیدگی کودکان و نوجوانان را به عنوان بخشی از سیاست‌های کلی پلیس تعریف نمایند. به علاوه در ادامه با اصلاح ساختار سازمانی پلیس اطفال و نوجوانان پلیس ویژه پیشگیری<sup>۳۱</sup> مرتبط با این گروه سنی ایجاد شد که به جای توجه صرف به دستگیری، بازداشت و بازدرندگی به پیشگیری از جرایم اطفال و نوجوانان نیز توجه می‌نمود.<sup>۳۲</sup> در ادامه با تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان تعداد وسیعی از نیروهای پلیس زن به دلیل بهره‌مندی از مهارت‌های ویژه ارتباطی، توانایی و علاقه کار با اطفال و نوجوانان استخدام و به عنوان پلیس ویژه اطفال و نوجوانان مشغول کار شدند.<sup>۳۳</sup> در نهایت در اوایل دهه ۱۹۰۰ ساختار سازمانی ویژه‌ای در پلیس امریکا در ارتباط با اطفال و نوجوانان تشکیل شد. در اوت ۱۹۲۰ ولمر<sup>۳۴</sup> بنیانگذار حرفه‌ای‌سازی پلیس، در زمان ریاست بر پلیس برکلی و سپس کالیفرنیا یکی از اولین ادارات پلیس ویژه اطفال و نوجوانان را تشکیل داد. ولمر با هدف ارتقاء سطح دانش در سازمان پلیس و آشنایی افسران با علل ارتکاب جرایم اطفال و نوجوانان، دوره‌های آموزشی تخصصی را در سازمان پلیس ایجاد و با هدف حمایت از اطفال در برابر مشکلات برنامه جامع حمایت از اطفال و نوجوانان را طراحی نمود. بدین ترتیب تا اوایل دهه ۱۹۰۰ ادارات پلیس اطفال و نوجوانان در بسیاری از شهرهای بزرگ امریکا ایجاد شد. تمرکز اصلی این دفاتر بر تخصصی و حرفه‌ای شدن پلیس اطفال و نوجوانان و همچنین پیشگیری

30. Hill, *Human resource strategy*.

31. police to prevent juvenile delinquency.

۳۲. برای مطالعه بیشتر، نک:

"Police: Handling of Juveniles-Historical Overview and Organizational Structure-Crime, Officers, Policing, and Justice", J. Rank Articles.

33. Hill, *Human resource strategy*, 84-85.

34. Vollmer

از جرایم آنها است. همچنین به منظور ارتباط مناسب نوجوانان و پلیس، لیگ‌های مشترک ایجاد و با استفاده از سازوکارهای قضازدایی از قبیل مشاوره و دیگر روش‌های آموزشی با هدف افزایش مسؤولیت‌پذیری و درک پی‌آمدهای رفتاری انحرافی، پلیس اطفال و نوجوانان در ایالت‌های مختلف امریکا توسعه یافت. در سال ۱۹۶۰ برنامه رسمی جلوگیری از برچسب‌زنی نوجوان به عنوان مجرم، طراحی با هدف کاهش بار نظام عدالت کیفری اجرا شد. در حال حاضر اکثر سازمان‌های پلیس در امریکا واحدهای تخصصی پلیس اطفال را دایر کرده‌اند و یا حداقل از متخصصان مربوط به امور اطفال در امور پلیسی استفاده می‌کنند. در واقع امروزه پلیس اطفال و نوجوانان به عنوان یکی از ضروری‌ترین بخش‌های پلیس امریکا شناخته می‌شود. افسران ویژه اطفال و نوجوانان وظیفه انجام تحقیقات و پیشگیری جرایم ارتكابی و همچنین شناسایی نوجوانان و اطفال بزه‌دیده و ارائه خدمات به آنها را دارند. همچنین حضور پلیس ویژه اطفال و نوجوانان در مدارس امریکا بسیار رایج است. افسران پلیس مجموعه اقدامات پیشگیرانه در مورد جرایم پر تکرار گروه سنی دبستان، راهنمایی و دبیرستان را در مدارس از طریق آشناسازی جامعه هدف با جرایم خاص و پی‌آمدهای آن انجام می‌دهند. همچنین در دهه ۱۹۹۰ برنامه اختصاصی پیشگیری موسوم به DARE<sup>۳۵</sup> طراحی و توسط پلیس ویژه اطفال و نوجوانان در مدارس امریکا ایجاد شد. بررسی روند توسعه پلیس اطفال و نوجوانان در نظام حقوقی امریکا نشان می‌دهد که در حال حاضر اگرچه واحدهای تخصصی پلیس ویژه در ایالت‌های مختلف امریکا ایجاد شده‌اند ولی چارچوب وظایف و اختیارات آنها گوناگون است و نمی‌توان الگوی واحدی از پلیس اطفال و نوجوانان در امریکا ارائه داد هرچند در سال‌های اخیر تحت تأثیر رویکردهای پلیس جامعه محور و پلیس مسأله‌محور، نقش پلیس اطفال و نوجوانان به عنوان یکی از بارزترین مصادیق رویکرد جدید پررنگ‌تر و متنوع‌تر شده و نظام عدالت کیفری به سمت پیش‌بینی مجموعه سازوکارهای اختصاصی گسترده در رابطه با پیشگیری از بزهکاری و پاسخ‌دهی مناسب به جرایم اطفال و نوجوانان و همچنین ایجاد شیوه‌های حمایتی متنوع از اطفال و نوجوانان بزه‌دیده گام برداشته است.

### ۱-۳- حقوق ایران

بررسی سوابق موجود در رابطه با تشکیل پلیس ویژه کودکان و نوجوانان در ایران نشان

می‌دهد<sup>۳۶</sup> که در اوایل دوره قانونگذاری با توجه به فقدان زیر ساخت‌های مناسب اداری، اجتماعی و آموزشی، غالباً مقررهای در رابطه با ایجاد پلیس ویژه کودکان و نوجوانان تصویب نشده است. وانگهی قانونگذار با توجه به اهمیت موضوع کوشیده است به صورت مختلف جریان تحقیق و رسیدگی در مورد جرایم کودکان و نوجوانان را گاه با منع ضابطان در تحقیقات ابتدایی و گاه با پیش‌بینی وظایف خاص برای آنها متمایز سازد. نخستین بار در قانون مربوط به تشکیل دادگاه اطفال بزهارکار مصوب ۱۳۳۸ قانونگذار وظایف ضابطان دادگستری را به قضات دادگاه اطفال واگذار کرد و ضابطان را از انجام تحقیق در رابطه با جرایم اطفال و نوجوانان منع کرد (ماده ۶) اگرچه در نهایت با تصویب قانون اصلاح برخی از مواد قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۶۱ و تشکیل دادگاه‌های کیفری ۱ و ۲، و بر اساس رأی وحدت رویه قضایی شماره ۶-۶۴/۲/۲۳ دادگاه ویژه اطفال از نظام قضایی حذف شد. پس گذشت از این مرحله با آنکه انتظار می‌رفت قانونگذار نسبت به لزوم ایجاد پلیس ویژه کودکان و نوجوان واقف و در نتیجه نسبت به پیش‌بینی آن در مقررات کیفری اقدام نماید در قانون آیین دادرسی سال ۱۳۷۸ نه تنها متعرض تشکیل پلیس ویژه نشد بلکه همانند قانون سال ۱۳۳۸ صرفاً ضابطان دادگستری را از انجام تحقیقات در مورد جرایم کودکان و نوجوان منع نمود و در ماده ماده ۲۲۱ اشعار داشت: «در جرائم اطفال رسیدگی مقدماتی اعم از تعقیب و تحقیق با رعایت مفاد تبصره ماده ۴۳ توسط دادرس و یا به درخواست او توسط قاضی تحقیق انجام می‌گیرد. دادگاه کلیه وظایفی را که برابر قانون بر عهده ضابطین می‌باشد رأساً به عمل خواهد آورد.» بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که تا این زمان هیچ مقرر صریحی در خصوص تشکیل پلیس ویژه کودکان و نوجوانان وجود ندارد. سرانجام برای نخستین بار در لایحه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان (۱۳۸۳) تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان پیش‌بینی و یکی از اهداف لایحه، برقراری محیط صمیمانه بین کودک و مقامات قضایی (برخورد غیر کیفری و غیر پلیسی) دانسته شد. بر این اساس، می‌توان گفت تغییر الگوی رفتاری مقامات نظام عدالت کیفری در رابطه با اطفال و نوجوانان یکی از مهم‌ترین نتایجی است که لایحه در صدد نیل بدان است. از این رو، به صورت ویژه بر ارتباطی غیر پلیسی با طفل یا نوجوان بزهارکار و یا بزهدیده تأکید و در ماده ۵۳ ایجاد پلیس ویژه اطفال و نوجوانان را پیش‌بینی می‌نماید. در این ماده آمده است: «به منظور حسن اجرای وظایف ضابطان در مورد اطفال و

۳۶. برای مطالعه بیشتر، نک: مودن‌زادگان، «سیر تحول قوانین کیفری حمایتی کودکان و نوجوانان در حقوق ایران».

نوجوانان، پلیس ویژه اطفال و نوجوانان تشکیل می‌شود» همچنین وظایف خاصی را برای ضابطان دادگستری در رابطه با جرایم ارتكابی از سوی اطفال و نوجوانان مقرر داشته است. از جمله در تبصره ماده ۱۴ لایحه آمده است: «در جرایم مشهود هرگاه مرتکب طفل و یا نوجوان باشد، ضابطان دادگستری مکلفند نسبت به حفظ آلات و ادوات و آثار و علائم و دلایل جرم اقدام نمایند، لکن اجازه تحقیقات مقدماتی از طفل را نداشته و در صورت دستگیری وی نیز موظفند بی‌درنگ به دادسرا یا به دادگاه اطفال و نوجوانان تحویل دهند...» هر چند با تقدیم این لایحه به مجلس در سال ۱۳۸۳ انتظار می‌رفت با توجه به کارشناسی‌های صورت پذیرفته در مدت زمان اندکی مفاد آن به تصویب برسد ولی این فرآیند بیش از ۹ سال به طول انجامید و در نهایت مفاد ماهوی آن در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و قواعد شکلی آن در قانون آیین دادرسی مصوب ۱۳۹۲ به صورت ناقص گنجانده شد.<sup>۳۷</sup> یکی دیگر از اسنادی که در آن به ضرورت تخصصی شدن واحدهای پلیسی اشاره شده قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰) مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵ است. در ماده ۲۱۱ این قانون آمده است: «قوه قضائیه مکلف است به منظور کاهش عناوین مجرمانه و دعاوی، ایجاد پلیس قضایی، استانداردسازی ضمانت‌اجراهای کیفری و جایگزین کردن ضمانت‌اجراهای غیرکیفری مؤثر و روزآمد از قبیل انتظامی، انضباطی، مدنی، اداری و ترمیمی حداکثر تا پایان سال اول برنامه لوایح قضایی مورد نیاز را تهیه نماید تا از طریق دولت به مجلس شورای اسلامی تقدیم گردد.» همچنین در این قانون قوه قضائیه موظف شده است اقداماتی در جهت تسریع در رسیدگی به پرونده‌ها را انجام دهد از جمله تدوین طرح تخصصی کردن ضابطان قضایی در جهت توانمندسازی و آموزش تخصصی آنان. هرچند در بند (ج) ماده ۲۱۱ ایجاد واحدهای تخصصی پلیس تا پایان سال اول برنامه پیش‌بینی شده بود ولی در حال حاضر با سپری شدن مدت برنامه پنجم توسعه این

۳۷. در حالی لایحه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان که با رویکردی جرم‌شناختی و رعایت اصول دادرسی اقتراقی تهیه و به مجلس تقدیم شد، تا مدت‌ها در دستورکار قرار نگرفت که در همین زمان طرح‌های مبتنی بر رویکردهای سزاگرانه و سختگیرانه در مدت کوتاهی تصویب و نهایی شدند. (امیدی، «گفتمان سیاست جنایی مجلس هفتم»). تصویب زود هنگام قوانین حاوی جرم‌انگاری‌ها و کیفرگذاری‌های نوین و به تأخیر افتادن قوانین حمایتی در حوزه حقوق کیفری یکی از جلوه‌های رویکرد عوام‌گرایی کیفری است. در این رویکرد راهکارهای سزاگرانه در مقایسه با سازوکارهای پیشگیرانه، رفاهی و ترمیمی شانس بیشتری برای تصویب و اجرا دارند. (برای مطالعه بیشتر، نک: فرجیها مقدسی، «رویکرد عوام‌گرایی کیفری به عدالت کیفری نوجوانان و جوانان».)

مقررده هنوز جنبه عملیاتی پیدا نکرده است. یکی دیگر از متونی که در آن علی‌رغم عدم پیش‌بینی پلیس ویژه اطفال و نوجوانان، وظایف خاصی را در ارتباط با آنها پیش‌بینی نموده ولی تاکنون جامه قانون به تن نکرده است لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان است. در ماده ۳۵ این لایحه وظیفه انجام تحقیقات و اقدامات مقتضی بر عهده مددکاران اجتماعی نهاده شده و ضابطان دادگستری موظف شده‌اند با مددکاران اجتماعی در خصوص انجام تحقیقات مقدماتی همکاری نمایند. همچنین در ماده ۳۵ لایحه آمده است: «مددکاران اجتماعی به‌زیستی پس از کسب اطلاع از وضعیت مخاطره‌آمیز موضوع ماده ۳ این قانون، حسب مورد تحقیقات و اقدامات مقتضی را از طرق زیر انجام می‌دهند: دعوت والدین، اولیاء، سرپرستان قانونی و یا سایر اشخاص مرتبط با کودک و نوجوان و در صورت لزوم دعوت از کودک و نوجوان به همراه آنها؛ و همچنین مراجعه به محل سکونت، اشتغال و تحصیل کودک و نوجوان و یا سایر محل‌های مرتبط، به همراه ضابطان دادگستری در صورت نیاز.» در تبصره این ماده آمده است: «سوالات و تحقیقات باید به موضوع مورد بررسی محدود شده و تدابیر و اقدامات کافی برای جلوگیری از انتشار و افشاء اطلاعات اتخاذ شود.» همچنین در ماده ۳۶ لایحه، ضابطان دادگستری در صورت وجود خطر شدید و قریب‌الوقوع مکلف شده‌اند اقداماتی را در حدود وظایف و اختیارات قانونی انجام دهند و تدابیر لازم را در صورت امکان با مشارکت و همکاری والدین، اولیاء و یا سرپرستان قانونی کودک و نوجوان جهت رفع خطر کاهش آسیب و پیشگیری از وقوع جرم انجام داده و در موارد ضروری وی را از محیط خطر دور کرده و با تشخیص و زیر نظر مددکار اجتماعی به مراکز به‌زیستی یا سایر مراکز مربوط منتقل کنند و گزارش موضوع و اقدامات خود را حداکثر ظرف دوازده ساعت به اطلاع دادستان برسانند. همچنین ماده ۳۷ لایحه اشعار می‌دارد: «... ضابطان دادگستری به منظور انجام تحقیقات و اقدامات موضوع این قانون، حق ورود به محل زندگی و کار افراد را جز با اجازه متصرف قانونی و یا دستور مقام قضایی ندارند، مگر در خصوص اقدامات حمایتی موضوع ماده ۳۶ این قانون، که در این صورت باید در گزارش تنظیمی موضوع این ماده ادله ضرورت مداخله را نیز به روشنی ذکر کنند.» در آخرین نسخه لایحه که پس از اصلاحات کمیسیون در سال ۱۳۹۱ تقدیم مجلس شده در بند (ب) ماده ۶ علاوه بر تکلیف پیش‌گفته آمده است نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مکلف است در تمامی مأموریت‌های مددکاران اجتماعی در اجرای این قانون حسب تقاضا جهت تأمین امنیت آنان و نیز کودکان و نوجوانان موضوع مأموریت، اقدامات قانونی لازم را به عمل آورد. همچنین در موضوع اخذ و



جمع‌آوری اطلاعات مربوط به وضعیت‌های مخاطره آمیز برای کودکان و نوجوانان و گزارش‌دهی جرایم علیه آنان و نیز برای افزایش آگاهی‌های مردم در این زمینه با سازمان بهزیستی کشور همکاری نماید.

در نهایت پس از گذشت از فراز و فرودهای قانونگذاری در حوزه حقوق کیفری اطفال برای نخستین بار در ماده ۳۱ قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲ تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان به لحاظ قانونی الزامی شد. ماده ۳۱ قانون آیین دادرسی ۱۳۹۲ اشعار می‌دارد:

«به منظور حسن اجرای وظایف ضابطان در مورد اطفال و نوجوانان، پلیس ویژه اطفال و نوجوانان در نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران تشکیل می‌شود. وظایف و حدود اختیارات آن به موجب لایحه‌ای است که توسط رئیس قوه قضائیه تهیه می‌شود.»

هرچند پیش‌بینی تشکیل پلیس اطفال و نوجوانان در قانون آیین دادرسی کیفری اخیرالتصویب از جهات گوناگون حقوقی و جرم‌شناختی واجد آثار مثبت و نشان از حرکت نظام حقوقی به سمت ایجاد سامانه خاص رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان و پیش‌بینی نهادهای اختصاصی در حوزه قشرهای آسیب‌پذیر است وانگهی این ماده با این اشکال اساسی روبه‌رو است که تشکیل پلیس اطفال و نوجوانان را صرفاً با هدف حسن اجرای وظایف ضابطان در مورد اطفال می‌داند. این بدان معنا است که اختیارات پلیس اطفال و نوجوانان محدود به تکالیف ضابطان دادگستری است لذا با توجه به آنکه ضابطان دادگستری و وظایف آنها ذیل فصل دوم از بخش دوم قانون آیین دادرسی کیفری و به صورت مشخص در ماده ۲۸ تعریف و حدود اختیارات آنها مشخص شده و قانونگذار آنها را مأمورانی می‌داند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان در کشف جرم، حفظ آثار و علائم و ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی به موجب قانون اقدام می‌کنند. در نتیجه پیشگیری از جرم به عنوان وظایف ضابطان دادگستری پیش‌بینی نشده و بنابراین پلیس اطفال و نوجوانان امکان مداخله پیش از وقوع جرم در رابطه با اطفال و نوجوانان بزه‌کار و حمایت از کودکان بزه‌دیده را نخواهند داشت. مسأله‌ای که فلسفه وجودی پلیس اطفال و نوجوانان را به علت محدود نمودن حدود اختیارات و عدم مسؤولیت در رابطه با پیشگیری از جرایم خاص این گروه سنی تا حد زیادی با چالش مواجه می‌سازد. در مقام رفع این مشکل می‌توان با استناد به لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان (در صورت تصویب) و همان‌طور که ذکر شده با لحاظ ماده ۳۶ که

ضابطان دادگستری را در صورت وجود خطر شدید و قریب‌الوقوع مکلف به اقداماتی در حدود وظایف و اختیارات قانونی و اتخاذ تدابیر لازم در صورت امکان با مشارکت و همکاری والدین، اولیاء و یا سرپرستان قانونی کودک و نوجوان جهت رفع خطر، کاهش آسیب و پیشگیری از وقوع جرم و در موارد ضروری، دور نمودن طفل از محیط خطر و انتقال او با تشخیص و زیر نظر مددکار اجتماعی به مراکز بهزیستی یا سایر مراکز مربوطه نموده است؛ امکان مداخله پیش از وقوع جرم و به کارگیری مجموعه سازوکارهای پیشگیرانه توسط پلیس ویژه اطفال و نوجوانان را میسر دانست.

علاوه بر پیش‌بینی تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ وظایف خاصی برای ضابطان دادگستری در مواقع برخورد با کودکان و نوجوانان تعیین شده است از جمله در فصل نهم ذیل عنوان تحقیقات مقدماتی جرایم اطفال و نوجوانان و در تبصره (۲) ماده ۲۸۵ آمده است:

«در جرائم مشهود، هرگاه مرتکب، طفل یا نوجوانان باشد، ضابطان دادگستری مکلفند نسبت به حفظ آلات، ادوات، آثار، علائم و دلایل جرم اقدام نمایند، لکن اجازه تحقیقات مقدماتی از طفل یا نوجوانان را ندارند و در صورت دستگیری وی، موظفند متهم را حسب مورد، فوری به دادسرا یا دادگاه اطفال و نوجوانان تحویل دهند. انقضای وقت اداری و نیز ایام تعطیل مانع از رجوع به دادسرا یا دادگاه اطفال و نوجوانان نیست.»

در مقام جمع‌بندی به نظر می‌رسد سیاست جنایی ایران در قبال اطفال و نوجوانان از رویکرد واحدی تبعیت نکرده و دارای فراز و فرود بسیار از حوزه تقنین گرفته تا حوزه اجرا است. امری که منجر به سرگردانی دستگاه عدالت کیفری، عدم رسیدگی مناسب به جرایم اطفال و نوجوانان و در نهایت آسیب‌های اجتماعی متنوعی خواهد شد. این ناهماهنگی در حوزه تشکیل پلیس اطفال و نوجوانان نیز مشهود بوده و به آسانی قابل رصد است. بررسی سابقه موضوع نشان می‌دهد هرچند قانونگذار از ابتدای دوران قانونگذاری به اهمیت پیش‌بینی سازوکارهای افتراقی در رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان واقف بوده و انگهی در پاره‌ای از موارد گو اینکه به جهت فقدان پیش‌شرط‌های لازم ترجیح می‌دهد این ضرورت را انکار نماید، از سوی دیگر سیاست انکار و تردید با گذشت زمان رنگ باخته و قانونگذار تلاش می‌کند تغییراتی جزئی در رابطه با شیوه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان ایجاد نماید. هر چند در این دوره نیز به جهت عدم وجود بسترهای مناسب، قانونگذار قادر به اتخاذ سیاست جنایی یکپارچه و جامع در رابطه با اطفال نبوده و تلاش می‌کند با استفاده از شیوه‌های مختلف در

قالب نظام عدالت کیفری عمومی، سیاست‌های اعتدالی را در جهت حمایت از اطفال و نوجوانان پایه‌ریزی نماید. این مسأله در خصوص تأسیس نهادهایی که در آن به مشارکت سایر سازمان‌های اجتماعی نیازمند است بیشتر رخ می‌نماید و در نهایت ممکن است به دلیل وجود موانع واقعی و یا ساختگی واحدهای تخصصی پیش‌بینی شده ایجاد نشود. از جمله در رابطه با اطفال و نوجوانان به نظر می‌رسد آنگاه که نظام عدالت کیفری پس از سال‌ها به اهمیت ایجاد پلیس اختصاصی واقف و درصدد تشکیل آن بر آمد، حال این سازمان پلیس است که به عنوان مسؤؤل ایجاد این واحدها لازم است آمادگی لازم را داشته باشد و یا ایجاد نماید و این بدان معنا است که تغییر و تحول در نظام عدالت کیفری اطفال در حوزه تشکیل پلیس ویژه با مانعی جدید روبه‌رو شده که گذشته از لزوم اقناع مدیران و مسؤؤلان آن نهاد، نمی‌تواند به صورت اطمینان‌آوری از تشکیل واحدهای پیش‌بینی شده در آینده نزدیک اطمینان حاصل نماید.

## ۲- الزامات ایجاد پلیس ویژه اطفال و نوجوانان

### ۲-۱- تمایزات شخصیتی

توجه به ویژگی‌های منحصر به فرد شخصیتی کودکان و نوجوانان یکی از الزامات تشکیل پلیس اطفال و نوجوانان به شمار می‌آید. به اعتقاد متخصصان حوزه روان‌شناسی، کودکان از طبعی حساس، عاطفی و زودرنج برخوردار بوده و در بسیاری از موارد قائل به تشخیص حسن و یا قبح عمل خود نبوده، توانایی پیش‌بینی پی‌آمدهای اعمال خود را ندارند<sup>۳۸</sup>. وجود این ویژگی‌های خاص سبب می‌شود در صورتی که برخورد ابتدایی پلیس با آنان توأم با سختگیری‌های غیرمعقول، خشونت، توهین و تحقیر باشد حس انتقام‌جویی، روحیه فرمان‌ناپذیری و قانون‌گریزی آنان تقویت می‌شود. در این مرحله است که پلیس کودکان و نوجوانان می‌تواند با عملکرد مثبت خود در جهت مشخص کردن مسیر اصلی پرونده تأثیرگذار باشد. پلیس می‌تواند، با در نظر گرفتن جوانب امر، نوع جرم و سن کودک، پرونده را از مسیر رسمی قضایی خارج - و در نتیجه طفل را از آثار زیانبار آن مصون نگه دارد - و آن را به نوعی به فرآیندهای غیرقضایی هدایت کند، همانند معرفی و اعزام کودک به یک سازمان غیر

۳۸. برای مطالعه بیشتر، نک: فرزین‌راد، «شناخت علل روانی و روان‌شناختی ارتکاب جرایم کودکان و

رسمی یا سازمان مددکاری برای حمایت و مراقبت از او<sup>۳۹</sup>. امکان به کارگیری فرآیندهای ترمیمی در مرحله تحقیقات پلیسی با توجه به شخصیت طفل و یا نوجوان بزهکار نیز یکی دیگر از روش‌هایی است که باید در خصوص اطفال و نوجوانان همواره مدظر باشد. پلیس می‌تواند در رابطه جرایم ارتكابی اطفال نقش تسهیل کننده یا میانجی را عهده‌دار باشد و تلاش نماید فرآیند رسیدگی را به صورت غیر رسمی و کمک جامعه محلی دنبال نماید. با این توضیح، به نظر می‌رسد استفاده از سازوکارهای عدالت ترمیمی مخصوصاً در مورد اطفال و نوجوانان بزهکار سودمند بوده و آنها را از درگیر شدن با نظام عدالت کیفری رسمی و به وجود آمدن مشکلات متعدد روحی و روانی برای آنها دور نگاه می‌دارد.

## ۲-۲- نوع جرایم ارتكابی

یکی دیگر از عواملی که تبیین کننده لزوم تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان است ماهیت جرایمی است که این گروه مرتکب می‌شوند<sup>۴۰</sup>. بنا بر بررسی‌های انجام شده در بیشتر مواقع بزهکاری اطفال و نوجوانان فاقد خشونت زیاد و فاقد جنبه‌های مبتنی بر خصومت و کینه‌ورزی است. در اکثر موارد بزهکاری کودکان و نوجوانان در واقع نتیجه طبیعی یا غیرطبیعی مسیر نیل آنها از مرحله خردسالی به نوجوانی و از نوجوانی به جوانی است. به لحاظ همین تفاوت‌ها است که برخورد با بزهکاری اطفال نخست نیازمند شناخت شخصیت طفل، نوع جرایم ارتكابی آنها و همچنین درک شرایط فرهنگی و اجتماعی او و در نهایت اتخاذ پاسخ مناسب است<sup>۴۱</sup>. شناخت این ویژگی‌ها در درجه اول بر عهده مرجعی است که برای بار نخست پس از ارتكاب جرم با طفل مواجه می‌شود. چرا که در این مرحله است که مسیر پرونده تعیین و تصمیم‌گیری اولیه انجام می‌شود. از این رو، نمی‌توان انتظار داشت پلیس قضایی عام که وظیفه رسیدگی به انواع جرایم و مرتکبان را دارد بتواند به صورت تخصصی عهده‌دار رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان باشد. چرا که ماهیت وظایف پلیسی با توجه به مرتکب جرم متفاوت و گاه متناقض است. از جمله آنکه در رسیدگی به جرایم کودکان و نوجوانان استفاده از سازوکارهای حمایتی توصیه می‌شود حال آنکه لازم است اقدامات پلیسی در برخورد با بزرگسالان واجد جنبه‌های تریبی و بازدارنده نیز باشد.

۳۹. جهانی و پورشکیبایی، «جایگاه پلیس ویژه کودکان و نوجوانان در فرآیند دادرسی کیفری»، ۳۴.

۴۰. برای مطالعه بیشتر، نک: Sickmun Howard, and Snyder, *Juvenile Offenders and Victims*.

۴۱. کشفی و اصنانلو، «پیشگیری انتظامی از بزهکاری اطفال و نوجوانان»، ۲.

### ۲-۳- شیوع پدیده کودک‌آزاری

یکی دیگر از عواملی که لزوم تشکیل پلیس کودکان و نوجوانان را در نظام حقوقی ایران تبیین می‌کند شیوع پدیده کودک‌آزاری و گسترش آن به ویژه در شهرهای بزرگ است. امروزه با گسترش شهرنشینی و افزایش مشکلات ناشی از آن، به صورت خواسته و یا ناخواسته کودکان و نوجوانان در معرض آسیب‌های جسمی، روحی و جنسی قرار دارند و با توجه به آنکه امکان دفاع از خود و یا تغییر شرایط پیرامونی را ندارند دچار بزه‌دیدگی مکرر از طرف خانواده و سایر اقشار جامعه می‌شوند. بر اساس آمارهای سازمان بهداشت جهانی به صورت میانگین در هر سال، ۴۰ میلیون کودک تازه متولد شده تا چهارساله در معرض انواع کودک‌آزاری قرار می‌گیرند.<sup>۴۲</sup> آمارهای منتشر شده از سوی سازمان مستقل حمایت از حقوق کودک در سال ۲۰۰۴ گویای آن است که ۱۴ تا ۱۷ درصد از موارد کودک‌آزاری به دلیل شدت جراحات فوت کرده‌اند و این در حالی است که بیش از نیمی از موارد کودک‌آزاری به دلیل ترس کودکان یا ترس خانواده‌ها از به خطر افتادن زندگی خانوادگی یا آبرویشان گزارش نشده است، همچنین آمارها نشان می‌دهد که بیشترین موارد کودک‌آزاری در کشورهای آفریقایی و آسیایی و بیشتر در زمینه‌های بیگاری کشیدن از کودکان، سوء استفاده جنسی و قتل بوده است.<sup>۴۳</sup> در اروپا نیز آمارهای نگران کننده از وضعیت بزه‌دیدگی اطفال منتشر شده است برای مثال در فرانسه هر ساله حدود ۵۰ هزار طفل و صغیر مورد ضرب و شتم و اذیت و آزار قرار می‌گیرند و سالانه ۵۰۰ طفل در اثر این اقدامات فوت می‌کنند.<sup>۴۴</sup> آمارهای فوق حاکی از آن است که در حال حاضر با توجه به گسترش روزافزون پدیده کودک‌آزاری، پیش‌بینی سازوکارهای پیشگیرانه و واکنشی در رابطه با کودکان بزه‌دیده و یا در معرض بزه‌دیدگی الزامی است. لذا با گذشت زمان و افزایش سریع پدیده کودک‌آزاری سیاست‌های مختلفی از قبیل فعال شدن سازمان‌های مردم‌نهاد در زمینه کودک‌آزاری، افزایش حساسیت در جامعه از طریق رسانه‌های گروهی و ایجاد واحدهای تخصصی در جهت حمایت از کودکان و نوجوانان در دستور کار مسؤولان حوزه سیاست‌گذاری عمومی قرار گرفت و بخش‌های مختلف نهادهای عمومی مرتبط با اطفال و نوجوانان عهده‌دار تنظیم سیاست‌های پیشگیرانه و

۴۲. خوشابی، «گزارش یک مورد سوء استفاده جنسی»، ۱۳۱.

۴۳. راهب، «بررسی سبب‌شناسی و پویایی پدیده کودک‌آزاری»، ۲۳.

۴۴. بوریگان، «اطفال بزه‌کار و بزه‌دیده در حقوق فرانسه».

واکنشی در قبال پدیده کودک‌آزاری شدند. در کنار سایر نهادهای اجتماعی، پلیس نیز تلاش نمود که با ایجاد واحد تخصصی مربوط به اطفال و نوجوانان و با هدف پیشگیری از وقوع کودک‌آزاری و حمایت از کودکان بزه‌دیده و همچنین تسهیل روند رسیدگی به پرونده‌های مرتبط با کودکان و نوجوانان اقدام نماید. همچنان که پژوهش‌های متعدد نشان داده‌اند یکی از عوامل عمده توجه به پلیس اطفال و نوجوانان در امریکا گزارش‌های نگران‌کننده‌ای بود که از نرخ کودک‌آزاری در این کشور منتشر شد. آمارها حاکی از آن است که سالانه ۱۵۰۰ کودک در امریکا در اثر تجاوزات جنسی جان خود را از دست می‌دهند. همچنین سالانه بالغ بر ۱۴۰ هزار مورد جراحت علیه کودکان در جریانات تجاوزات جنسی به ثبت می‌رسد و در کل سالانه رقم ۷/۱ میلیون تجاوز جنسی در سراسر کشور امریکا گزارش می‌شود.<sup>۴۵</sup> همین عامل سبب شد که پلیس امریکا ضمن تشکیل واحدهای تخصصی اطفال و نوجوانان برای جلوگیری از بزه‌دیدگی اولیه و تکرار آن اقدام و واحدهای پلیس کاردان اطفال و نوجوانان را در مدارس و واحدهای شناسایی کودکان در معرض خطر را در مناطق خاص شهری ایجاد نماید. با این توضیح، به نظر می‌رسد در ایران نیز یکی از عواملی که ایجاد پلیس ویژه اطفال و نوجوانان را اجتناب‌ناپذیر نموده است آمار رو به رشد کودک‌آزاری در سال‌های اخیر است. هرچند به واسطه فقدان منابع رسمی آماری در حوزه کودک‌آزاری نمی‌توان به صورت علمی افزایش و یا کاهش این پدیده را در ایران مورد مطالعه قرار داد وانگهی گزارش‌های غیررسمی حاکی از گسترش کودک‌آزاری در سال‌های اخیر است. برای مثال سایت خبری عبرت نیوز<sup>۴۶</sup> در خبری میانگین کشوری آمار کودک‌آزاری در سال گذشته را بیش از ۲۳ مورد در روز اعلام می‌نماید همچنین بنا بر این آمار در سال گذشته ۹۹ هزار و ۹۰۰ تماس مرتبط با اورژانس اجتماعی گزارش شده که ۸ هزار و ۶۱۸ تماس آن مرتبط با کودک‌آزاری بوده است. بر این اساس، ۴۹.۸ درصد کودک‌آزاری‌ها مربوط به آزار جسمی، ۳۱.۳ درصد مربوط به غفلت، ۱۲.۵ درصد مربوط به آزار روانی و روحی و ۲.۷ درصد مربوط به آزار جنسی است. همچنین بر اساس آخرین گزارش اعلام شده از طرف رئیس مرکز فوریت‌های اجتماعی سازمان بهزیستی کشور در سال ۱۳۹۳ مجموعاً هشت هزار و ۶۶۴ مورد تماس تلفنی در رابطه با کودک‌آزاری با مرکز اورژانس اجتماعی برقرار شده است. همچنین میانگین

۴۵. گزارش سازمان پزشکان بدون مرز قابل دسترسی در [www.doctorswithoutborders.org](http://www.doctorswithoutborders.org)

46. <http://ebrat.ir>

تماس‌های تلفنی در رابطه با کودک‌آزاری تا تیر ماه سال ۱۳۹۴، ۲۵ مورد در روز اعلام شده است.<sup>۴۷</sup> این در حالی است که بنا بر گزارش‌های موجود، آمار کودک‌آزاری ارائه‌شده به انجمن حمایت از کودکان<sup>۴۸</sup> در سال ۱۳۹۲، ۲۴۰۰ مورد بوده است (رشد ۳/۵ درصدی). با تحلیل آمارهای موجود در حوزه کودک‌آزاری می‌توان گفت هرچند اقداماتی نظیر تشکیل اورژانس اجتماعی تا حدی خلأ فقدان نهاد مسؤول در رابطه با کودک‌آزاری را بر طرف نموده است و انگهی این واحدها به علت عدم بهره‌مندی از امکانات لازم، عدم گستردگی در تمام کشور، عدم بهره‌مندی از قدرت بازدارندگی در عمل چندان موفق نبوده و بیشتر به ارائه مشاوره می‌پردازند. بر این اساس، تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان که ضمن توجه به بزهکاری اطفال و پیشگیری از آن به صورت تخصصی به پیشگیری از بزه‌دیدگی اطفال و نوجوانان نیز توجه نماید ضرورتی انکارنشده است.

### ۳- سازوکارهای ایجاد پلیس ویژه کودک و نوجوان

تشکیل پلیس کودک و نوجوانان بدون توجه به ایجاد زیرساخت‌ها و الزامات خاص آن امکان‌پذیر نبوده و حتی در صورت تشکیل نیز نمی‌تواند مؤثر و مفید واقع شود. از این رو، لازم است ضمن توجه به ایجاد ساختارهای نوین در نظام عدالت کیفری بیش و پیش از آن به لوازم و الزامات آن توجه شود و همراه با رفع چالش‌های بنیادین مؤثر در ثمربخشی، به لحاظ فیزیکی نیز شرایط ایجاد آن مهیا شود. بدین منظور در ادامه مهم‌ترین سازوکارهایی که به نظر می‌رسد برای تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان ضروری می‌نماید تشریح و نقش آنها در ایجاد و یا بهره‌وری بیشتر پلیس ویژه توضیح داده می‌شود.

#### ۳-۱- تغییر ساختار سازمانی

مطالعات انجام‌شده حاکی از آن است که بسیاری از کودکان و نوجوانان بزهکار در ایران از عملکرد پلیس ابراز نارضایتی می‌کنند<sup>۴۹</sup> و سابقه ذهنی مثبتی از پلیس و برخوردهای انتظامی ندارند. در مقام علت‌شناسی موضوع، توجه به ساختار سازمانی پلیس اجتناب‌ناپذیر است. فرهنگ سازمانی حاکم بر نهادهای انتظامی به گونه‌ای است که برخوردهای خشونت‌گرا و

47. <http://alef.ir>

48. [www.irsprc.org](http://www.irsprc.org)

۴۹. کشفی، «نقش پلیس در دادرسی کودکان و نوجوانان»، ۱۴۶.

سرسختانه را تجویز و آن را نشانه اقتدار و کارآمدی سازمان تلقی می‌کند و از کارکنان خود به صورت غیرمستقیم هماهنگی با این نظام فکری را طلب می‌نماید. در نتیجه زمانی که اقتدارگرایی سازمانی ارزش تلقی و مبنای کارآمدی سیستم محسوب شود این موضوع برای کارکنان نیز درونی شده و مبنای عمل قرار می‌گیرد. در این شرایط کسانی که بخواهند بر اساس آموزه‌های علمی و تجربی عمل نمایند با برچسب مسامحه‌گری و عدم صلاحیت مواجه شده و مانعی در جهت اهداف سازمان قلمداد می‌شوند. از این رو برای نیل به اثربخشی اقدامات پلیسی صرف ایجاد پلیس‌های تخصصی و آموزش‌ها آنها کفایت نمی‌کند بلکه لازم است به موازات این تغییرات، فرهنگ سازمانی پلیس نیز تغییر یابد. بر این اساس، شایسته است پلیس قضایی در ارتباط با کودکان و نوجوانان نقشی حمایتی داشته و از رویکرد اتهام‌محوری اجتناب نماید. تنها در این صورت است که می‌توان انتظار داشت پلیس ویژه اطفال و نوجوانان بتواند به اهداف مد نظر قانونگذار نائل شود. تغییر سازمانی به تحولاتی در جهت بهبود عملکرد سازمان و فرآیند حرکت از وضعیت نامطلوب فعلی به وضعیت مطلوب دلالت دارد. هرچند اتخاذ این رویکرد در سال‌های اخیر مورد توجه بخش‌های خصوصی و تا حدی دولتی در ایران قرار گرفته است و انگهی هنوز امکان استفاده از سازوکارهای پیشنهادی مدیریت تحولی در سازمان‌های اقتدارگرا به واسطه فقدان زیرساخت‌های موجود فراهم نیست با این توضیح، به نظر می‌رسد در حال حاضر پلیس یکی از سازمان‌هایی است که به شدت نیازمند استفاده از مدل تغییر و تحول سازمانی به منظور افزایش بهره‌وری و ارتقاء اثربخشی به منظور نیل به اهداف پیش‌بینی شده است. تغییر و تحول سازمانی در پلیس را می‌توان در قالب جلوه‌ها و روش‌های گوناگونی مورد مطالعه قرار داد. در این قسمت به صورت ویژه برآنیم تا جلوه‌هایی از تغییر سازمانی که بیشترین ارتباط را با پلیس اطفال و نوجوانان دارد، مورد بررسی قرار دهیم. یکی از بایسته‌های تشکیل پلیس اطفال و نوجوانان استفاده از مدل سازمانی ارگانیک است. سازمان ارگانیک سازمانی است که مبتنی بر همکاری کارکنان در امور محوله، تشکیل گروه‌های کاری ویژه، فقدان سلسله مراتب کنترلی خاص<sup>۵۰</sup> و انعطاف‌پذیری در انجام وظایف و ایجاد قدرت بر اساس مهارت و نخبگی<sup>۵۱</sup> و همچنین

۵۰. رضائیان، مبنای سازمان و مدیریت، ۳۳۹-۳۳۷.

۵۱. استیفن، مبنای رفتار سازمانی، ۱۸۱.



هماهنگی به صورت شخصی و غیر رسمی و حیطة نظارت وسیع و گسترده است.<sup>۵۲</sup> توجه به ویژگی‌های سازمان ارگانیک نشان می‌دهد استفاده از آن برای پلیس اطفال و نوجوانان با توجه به ویژگی‌ها و الزامات خاص این گروه الزام‌آور خواهد بود. نتایج تحقیق نوری و همکاران (۱۳۹۰)<sup>۵۳</sup> که با استفاده از شیوه میدانی (مصاحبه با ۱۰۸ نفر از کارکنان پلیس پیشگیری تهران بزرگ) به بررسی الگوی ساختاری مطلوب کلانتری‌ها در رسیدگی به بزهکاری اطفال پرداخته است نشان می‌دهد که پرسنل شاغل در پلیس پیشگیری وضعیت فعلی دادرسی کودکان را مطلوب ندانسته و معتقدند که ساختار سازمان پلیس فعلی، مناسب برای رسیدگی به جرایم کودکان و نوجوانان نیست. و لازم است سازمان پلیس حداقل در رابطه با کودکان و نوجوانان از سازوکارهای سازمانی ارگانیک استفاده نماید.

یکی دیگر از جلوه‌های تغییر سازمانی در پلیس تقویت حس مسؤلیت‌پذیری در مجموعه کارکنان و نهادهای مرتبط و ایجاد دغدغه نسبت به گروه‌های مختلف اجتماعی از کودکان گرفته تا سالمندان است. امروزه سازمان پلیس در صورتی می‌تواند موفق باشد که بیش از آنکه در صدد تحمیل تکلیف بر شهروندان باشد، خدمت‌محور بوده و خود را نسبت به امور مختلف مسؤول بداند. توجه به این مسأله به ویژه در رابطه با بزهکاری و بزه‌دیدگی کودکان و نوجوانان حائز کمال اهمیت است. توضیح آنکه اصولاً پلیس اطفال و نوجوانان نقش مرجعی حمایتی را داشته و در صدد ارائه خدمت به بزهکاران و بزه‌دیدگان کودک و نوجوانان است و نه صرفاً دروازه سهمگین ورود به نظام عدالت کیفری رسمی. بررسی‌ها حاکی از آن است که پلیس در بسیاری از موارد مسؤولیتی در قبال اطفال و نوجوان احساس نمی‌کند و در نتیجه خود را ملزم به ارائه خدمت به آنها نمی‌داند. بر اساس پژوهش لباف<sup>۵۴</sup> از نظر کارشناسان و مدیران نیروی انتظامی مواردی از قبیل بررسی میزان عمل به تعهدات فرد کودک‌آزار، سرکشی به موارد گزارش شده درباره به کارگیری کودکان در محیط‌های شغلی، مراقبت و کنترل کردن افرادی که سابقه کودک‌آزاری یا اعتیاد و خشونت خانوادگی دارند، کشف و شناسایی کودکان محروم از تحصیل در جامعه، شناسایی کودکان فاقد اوراق هویتی و ارائه

۵۲. ایران‌نژاد پاریزی، اصول و مبانی مدیریت، ۲۲۳.

۵۳. نوری، پیمانی اصل و کشفی، «الگوی ساختاری مطلوب کلانتری‌ها در رسیدگی به بزهکاری اطفال».

۵۴. لباف، «نقش و جایگاه پلیس اطفال در مواجهه با کودک‌آزاری از منظر کارشناسان پلیس و سازمان

مشاوره منظم کودکان آزر دیده پس از فرآیند صدور حکم جزء وظایف پلیس کودکان و نوجوانان نیست.

یکی دیگر از گونه‌های تغییر سازمانی در پلیس، استفاده از رویکرد بین سازمانی و چند نهادی به ویژه در رابطه با اطفال و نوجوانان است. تجربه کشورهای مختلف در سال‌های اخیر نشان داده است که همکاری و تعامل بین سازمان‌های مختلف در جامعه و همچنین بهره‌گیری از توان سازمان‌های مردم‌نهاد در حوزه‌های مختلف منجر به کاهش مشکلات موجود از طریق سازوکار هم‌افزایی، کاهش مسؤلیت‌های محوله و افزایش بهره‌وری اجزای مختلف سازمان و همچنین کاهش هزینه‌های جاری شده است. امروزه با توسعه رویکرد پلیس جامعه‌محور و مفهوم مدیریت مشارکتی استفاده از توان بخش‌های مختلف جامعه به منظور تأمین امنیت و ارتقاء سطح بهزیستی عمومی نه تنها سودمند بلکه تبدیل به انتخابی اجباری برای مدیران نظام عدالت کیفری (در کشورهای جهان سوم) شده است. حال آنکه کشورهای پیشرو سال‌ها است از سازوکارهای جامعه‌محور مبتنی بر مشارکت در رابطه با گروه‌های مختلف و از جمله کودکان و نوجوانان استفاده می‌کنند. برای مثال در امریکا از ارتباطات بین‌سازمانی در رابطه با جرایم ارتكابی اطفال و نوجوانان به صورت وسیع استفاده می‌شود. یکی از وظایف پلیس اطفال و نوجوانان در این کشور استفاده از توان و امکانات سایر سازمان‌هایی است که به گونه‌ای می‌توانند به طفل و یا نوجوان بزه‌کار کمک کنند و این سازمان‌ها در خصوص این موارد ملزم به تبعیت هستند از جمله شهرداری‌ها، نهادهای مذهبی و سازمان‌های مردم‌نهاد<sup>۵۵</sup>. هر چند در ایران نیز بر اساس بند ۱۸ از ماده ۱ قانون نیروی انتظامی همکاری با سازمان‌های ذی‌ربط به منظور توسعه زمینه‌های فرهنگی لازم برای کاهش جرایم و تخلفات و تسهیل وظایف محوله دانسته شده است و انگهی در عمل شاهد آن هستیم که سازمان پلیس تمایل چندانی به برقراری ارتباط با سایر نهادهای اجتماعی مردم‌نهاد ندارد.

### ۳-۲- تدوین و اجرای برنامه آموزشی نظام‌مند

امروزه بحث آموزش کارکنان و دست‌اندرکاران نظام عدالت کیفری به صورت عام و آموزش واحدهای تخصصی از قبیل کارکنان دادرسی و ویژه، مأموران پلیس زن و پلیس اطفال به صورت ویژه، تبدیل به یکی از بنیادی‌ترین موضوعات قابل بحث در سیاست جنایی

55. Job Description of Juvenile Officer, 2013.

کشورهای پیشرو در عرصه حقوق کیفری شده است. کشورهای توسعه یافته تلاش می‌کنند برای دستیابی به اهداف بلندمدت پیش‌بینی شده در برنامه جامع نظام عدالت کیفری، طرح‌های آموزشی را با اهداف گوناگون طراحی و اجرا نموده، میزان اثر آن را بر روی جامعه هدف ارزیابی کنند. در حال حاضر با گذشت از دوران حقوق کیفری سزادهنده و آغاز دوران حقوق جزای پیشگیری‌کننده می‌توان گفت سیاستی جنایی موفق خواهد بود که مبتنی بر راهبردهای پیش‌بینی‌کننده باشد. از این رو، به صورت ویژه در موضوع مورد بحث فراهم کردن شرایط لازم برای آموزش نیروهای انتظامی تحت ساختار قضایی و حقوقی که طرز صحیح و نحوه برخورد مؤثر با بزه‌دیده بزهکار را آموخته‌اند، بیانگر سیاست جنایی است که تلاشش را معطوف به بازدارندگی و یافتن راه حل مسأله قبل از وقوع کرده<sup>۵۶</sup> و نه صرفاً اتخاذ رویکردهای پسینی و انتقامی، بر این اساس، در رابطه با عناصر مختلف دخیل در نظام عدالت کیفری و از جمله پلیس لازم است به دیدگاه‌های حل مسأله قبل از وقوع جرم توجه شود. یکی از راهبردهایی که بر اساس آن دستیابی به الگوی فوق قابل حصول خواهد بود موضوع آموزش است. بنابراین، اولین اقدامی که لازم است همزمان و یا حتی پیش از تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان در سازمان پلیس صورت پذیرد آموزش پرسنل پلیس اطفال و نوجوانان به منظور نیل به اهداف از پیش تعیین شده است. برنامه‌های آموزشی لازم است در بردارنده مهارت‌های ارتباطی با اطفال و نوجوانان، روان‌شناسی، جرم‌شناسی، آشنایی با قوانین، علوم تربیتی و جامعه‌شناسی و با هدف توانمندسازی پلیس در جهت رویارویی با تغییرات روزافزون و پیچیده؛ بهبود عملکرد پلیس با توجه به نتایج پژوهش‌های ارزیابی؛ تربیت و ایجاد آمادگی در زمینه تخصصی پلیس کودکان و نوجوانان در جهت کاهش آسیب‌های اجتماعی این گروه سنی، توسعه و استقرار عملکرد جدید، ایجاد شرایط لازم در زمینه‌های پلیسی برای چرخش شغلی و تخصصی شدن به عنوان بخشی از برنامه توسعه حرفه‌ای کارکنان پلیس باشد<sup>۵۷</sup> کشورهای پیشرو در این زمینه مدت‌ها قبل به بحث آموزش تخصصی پلیس قضایی توجه کرده‌اند برای مثال در سال ۱۹۹۴ در ژاپن پانزده هزار پاسگاه پلیس وجود داشته که ۶۵۰۰ پاسگاه ویژه جرایم ارتكابی توسط اطفال بودند. در این کشور تمام مأموران پلیس از

۵۶. کشفی و هاشمی، «تبیین فرآیند نظام کنترل بزهکاری کودکان و نوجوانان با تأکید بر نقش پلیس»، ۹۰.

۵۷. کلالی و نیازخانی، «طراحی و اعتباریابی الگوی تربیت پلیس کودکان و نوجوانان جمهوری اسلامی ایران»،

جمله پلیس ویژه جوانان و پلیس محلی جهت اطلاع از علوم و فنون پیشرفته به صورت مداوم از آموزش‌های ضمن خدمت بهره‌مند هستند<sup>۵۸</sup> همچنین در امریکا پلیس اطفال و نوجوانان از میان کسانی انتخاب می‌شوند که دارای مدرک کارشناسی در رشته‌های حقوق، جرم‌شناسی، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی باشند. به علاوه، لازم است شخص متقاضی سابقه چهار سال کار با اطفال را داشته باشد. همچنین پس از گزینش موظف است دوره ۴۰ ساعته به منظور اخذ گواهینامه آموزشی افسران نوجوانان<sup>۵۹</sup> را طی نماید به علاوه برای تمدید گواهینامه مکلف است سالیانه ۱۲ ساعت در کلاس‌های آموزشی مرتبط با کار با اطفال و نوجوانان شرکت کند. یکی از عمده مهارت‌هایی که به افسران ویژه اطفال و نوجوانان آموزش داده می‌شود مهارت حل مسأله و ایجاد توانایی‌های برقراری ارتباط در شرایط دشوار به منظور کمک به نوجوانان در معرض خطر بر اساس مدل جامع آموزش کارکنان واحدهای تخصصی پلیس است<sup>۶۰</sup>. به نظر می‌رسد در حال حاضر یکی از چالش‌های اساسی دستگاه‌های اجرایی و از جمله نیروی انتظامی در ایران در مورد آموزش ضمن خدمت و ارتقاء تخصص واحدهای اداری عدم به کارگیری مدل آموزش جامع، بدون توجه به مسأله نیازسنجی<sup>۶۱</sup>، هدف‌گذاری<sup>۶۲</sup> و برنامه‌ریزی<sup>۶۳</sup> است. در واقع، فقدان معاونت آموزشی که بر اساس

۵۸. دانش، ۱۳۷۴: ۷۵ به نقل از: ملک‌زاده و هاشمی، «بررسی ضرورت تشکیل و تکالیف پلیس زن ویژه اطفال

و نوجوانان»، ۸۹.

59. Juvenile Officer Certification Training.

60. Job Description of Juvenile Officer, 2013.

۶۱ نیازسنجی عبارت است از: مرور نظام‌مند مشکلات جمعیت هدف که منجر به توافق بر اولویت‌ها و نحوه تخصیص منابع می‌شود. نیازسنجی تلاش دارد تا علاوه بر شناسایی نیازها، فاصله بین پیامدهای موجود و پیامدهای مورد انتظار و اولویت‌ها برای استفاده اثربخش از منابع موجود را مشخص نماید.

۶۲ هدف‌گذاری عبارت است از: تعیین اهداف آموزشی با توجه به اهداف کلی سازمان. به این معنا که اهداف آموزش کارکنان، تابع اهداف راهبردی سازمان است و بر اساس اهداف سازمان معلوم می‌شود که واحد آموزش سازمان چه اهدافی را باید دنبال کند. اهداف را مدیریت عالی و مدیر آموزش با مشاوره کمیته آموزش سازمان تعیین می‌کنند (کلالی و نیازخانی، «طراحی و اعتباریابی الگوی تربیت پلیس کودکان و نوجوانان جمهوری اسلامی ایران»، ۱۵۴). برای مطالعه بیشتر، نک: نوه‌ابراهیم و همکاران، «هدف‌گذاری در الگوی تربیت پلیس کودکان و نوجوانان جمهوری اسلامی ایران».

۶۳ برنامه‌ریزی عبارت است از: جریانی مداوم، منطقی، جهت‌دار و دورنگر به منظور ارشاد و هدایت فعالیت‌های جمعی جهت رسیدن به هدف‌های مطلوب. (حسینی، «برنامه‌ریزی آموزشی»، ۱۳۹۰/۰۹/۲۷،

<http://hosseinipooyesh.persianblog.ir/post/15> ((۱۳۹۴/۱۰/۱۵))

واقعیت‌های سازمان، برنامه‌های آموزشی را طراحی و اجرا نماید موجب می‌شود برنامه‌های آموزشی بیشتر به صورت تشریفاتی و به منظور ایجاد تنوع سازمانی انجام پذیرد. به علاوه در همین اندازه نیز معمولاً برنامه‌های آموزشی نیز به درستی اجرا نمی‌شوند، گروه‌ها، تسهیلات و تجهیزات و شرکت‌کنندگان در دوره آموزشی تعریف نمی‌شوند و معمولاً علاقه بر استفاده از سرمایه‌های درون سازمانی با هدف کاهش هزینه‌های دوره‌های آموزشی است.<sup>۶۴</sup> گذشته از موارد پیش‌گفته به نظر می‌رسد مهم‌ترین چالش برنامه‌های آموزشی عدم توجه به انجام پژوهش‌های ارزیابی در رابطه با برنامه‌های اجرا شده است. هدف از ارزیابی، آگاهی از تحقق یا ناکامی تحقق اهداف آموزشی و نیز آگاهی از واکنش شرکت‌کنندگان در برنامه آموزشی است تا مشخص شود که فراگیران تا چه حد آموزش‌ها را فرا گرفته و به مشاغلشان انتقال دادند.<sup>۶۵</sup> نورمن جکسون (۱۹۹۸) ارزیابی را فراهم‌سازی معیار و ملاکی برای پاسخگویی، تسهیل و آسان‌سازی یادگیری، و ایجاد توانایی جهت اصلاح و بهبود و یا تغییر می‌داند. به عبارت دیگر ارزیابی عبارت است از تعیین میزان رسیدن برنامه به هدف‌ها. اهمیت ارزیابی از آن جهت است که بدون آن نمی‌توان میزان موفقیت و اثربخشی برنامه‌های آموزشی را مشخص نمود این بدان معنا است که در صحنه عمل آموزش‌های داده شده به اندازه انتظارها مؤثر نبوده و نتوانسته تغییر محسوس در رفتار کارکنان با یکدیگر و با جامعه هدف ایجاد نماید. این مسأله زمانی منجر به چالش اساسی خواهد شد که برگزاری دوره‌های آموزشی نه برای ارتقاء بهره‌وری سازمانی و در رابطه با اهداف خاص (در اینجا اطفال و نوجوانان بزه‌دیده و بزهکار) بلکه به منظور افزایش آمار و گزارش‌دهی به مقامات ذی‌ربط برگزار شود. در یک سازمان پویا اهداف کلی به اهداف جزئی تقسیم و برای نیل به آنها فعالیت‌های مشخصی صورت می‌پذیرد تا منجر به خروجی شود. به منظور انجام شدن صحیح اقدامات پیش‌گفته در هر مرحله، نظارت مستمر انجام خواهد شد و در نهایت نتایج و تأثیرات مورد ارزیابی قرار می‌گیرد تا در صورت نرسیدن به وضعیت مطلوب برنامه آموزشی مورد بازبینی واقع شود.

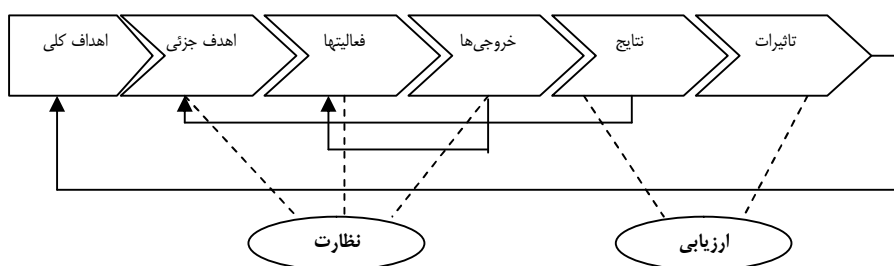
---

۶۴ در حال حاضر در سازمان نیروی انتظامی، واحدهایی به نام واحد آموزش در حال فعالیت هستند که وظایف آموزشی درون و برون سازمانی را بر عهده دارند. همچنین با توجه به ماده ۲۵ از فصل سوم (اصول فرماندهی و سلسله مراتب) آیین‌نامه انضباطی، مسؤول هر قسمت از واحدهای اجرایی نیز موظف به ارتقای دانش پرسنل جمعی خود است (به نقل از: هاشمی، روایی، و سجادی صابر، «تدابیر آموزشی و عملکرد پلیس در پیشگیری از بزهکاری نوجوانان بررسی موردی شهر مشهد»، ۲۱).

65. Myers, "Police encounters with Juvenile Suspect: Explaining the Use of Authority and Provision of Support".

برای مثال ارزیابی برنامه‌های اجرا شده در رابطه با اطفال و نوجوانان در امریکا نشان داده که بسیاری از برنامه‌ها در عمل آنچنان که تصور می‌شد موفق نبوده و نتوانسته‌اند از ثمربخشی لازم برخوردار باشند. همچنین این پژوهش‌ها نشان داد اگرچه برنامه‌های آموزشی پلیس باعث کاهش نرخ جرم در مدرسه شده است ولی به موازات آن بزهکاری اطفال و نوجوانان در محیط پیرامونی مدرسه افزایش یافته است.<sup>۶۶</sup> در ایران نیز در پژوهشی که در سال ۹۰ با هدف سنجش میزان اثربخشی کارگاه‌های آموزشی ویژه اطفال و نوجوانان انجام شد افراد شرکت‌کننده در کارگاه‌ها که طی سال‌های ۸۴ تا ۸۶ در برنامه‌های آموزشی پلیس شرکت کرده بودند بیان کردند که گرچه در برخی زمینه‌ها برگزاری کارگاه‌ها اثرات مفیدی داشته است ولی مواردی از ناکارآمدی کارگاه‌ها نیز گزارش شده است.<sup>۶۷</sup>

نمودار زیر جایگاه نظارت و ارزیابی را در اجرای برنامه‌ها و استراتژی‌ها نشان می‌دهد.<sup>۶۸</sup>



نکته‌ای حائز اهمیت در مسأله آموزش آن است که فرآیند آموزش با استفاده از شیوه‌های نوین و به صورت عملی انجام پذیرد. در این خصوص پیشنهاد می‌شود جهت آموزش شیوه کار با اطفال و نوجوانان از روش کارگاهی با امکان مشارکت افراد تحت آموزش در فرآیند یادگیری استفاده شود. مطالعات حاکی از آن است که گروهی از برنامه‌های آموزشی که به شیوه کارگاهی برای کارآموزان واحدهای پلیس قضایی برگزار شده اثربخشی بیشتری داشته است.<sup>۶۹</sup> از این حیث، استفاده از روش‌های نوین آموزشی به منظور بهبود فرآیند یادگیری مؤثر

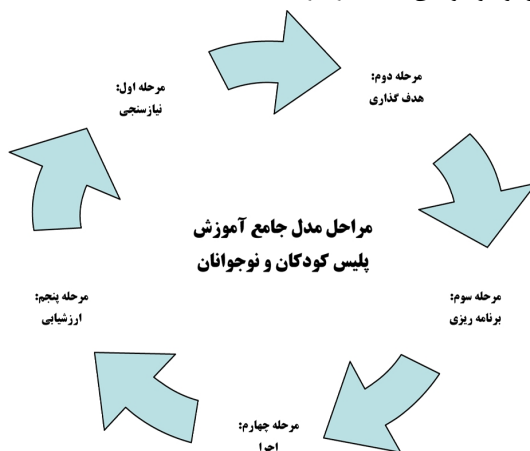
۶۶ شاو، «پلیس، مدارس و تجربیات موجود، بررسی مقدماتی تجربیات موجود».

۶۷ بهارسنجانی، «بررسی میزان اثربخشی کارگاه‌های آموزشی دادرسی کودکان و نوجوانان از دیدگاه کارآموزان در پلیس ایران».

۶۸ کاتوزیان، «بررسی نقش دستگاه‌های نظارتی در مراحل قبل، بعد و هنگام خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی با رویکرد منابع انسانی».

۶۹ برای مطالعه بیشتر، نک: بهارسنجانی، «بررسی میزان اثربخشی کارگاه‌های آموزشی دادرسی کودکان و

بر رفتار، امری اجتناب‌ناپذیر است. در این راستا پیشنهاد می‌شود به صورت فرضی جنبه‌های عملی برخورد با کودکان و نوجوانان بزه‌کار و بزه‌دیده به افسران پلیس آموزش داده شود. به این صورت که با حضور اطفال و نوجوانان در کلاس از ضابطان درخواست شود طبقه‌بندی برخورد با آنها را تمرین کنند و به این واسطه در محیط شبه‌واقعی تکالیف و مسؤولیت‌های خود را انجام دهند و بدین ترتیب به صورت عملی مطالب آموزشی را اجرا نمایند. این مسأله می‌تواند علاوه بر آنکه فرد را با محیط واقعی آشنا می‌سازد کارآموز را با چالش‌ها و مشکلات عملی کار آشنا و او را در جهت حل آنها ترغیب کند. بر اساس مطالب پیش‌گفته خراسانی و عیدی (۱۳۸۵) مدل جامع پلیس اطفال و نوجوانان را به منظور افزایش بهره‌وری آموزشی در سازمان پلیس پیشنهاد کردند. در این مدل مراحل پیش‌گفته به منظور ثمربخشی برنامه‌های آموزشی پلیس کودکان و نوجوانان مد نظر قرار داده شده است.



### ۳-۳- تدوین الگوهای رفتاری و ارتباطی مؤثر

پیش‌بینی پلیس ویژه اطفال و نوجوانان بدون در نظر گرفتن سازوکارهای ارتباطی مشخص و از پیش تعیین‌شده نه تنها سودمند و اثربخشی لازم را نخواهد داشت بلکه زمینه‌ساز فریبی سازمانی و کاهش چالاکی بیشتر سازمان پلیس خواهد شد. به عبارت دیگر لازم است با در نظر گرفتن شرح وظایف مشخص برای پلیس ویژه کودکان و نوجوانان، جهت‌دهی اصلی آن به سمت امور اجرایی باشد و نه صرفاً اداری. یکی از چالش‌های مهم تشکیل پلیس ویژه،



فقدان سازوکارهای ارتباطی مؤثر و مفید در سازمان پلیس در ارتباط با اطفال و نوجوانان است. زمانی که پلیس مجهز به مهارت‌های ارتباطی با کودکان و نوجوانان نباشد نمی‌توان انتظار داشت که بتواند با ایجاد ارتباط مؤثر، مشکلات را شناسایی و برای حل آنها به کودک و نوجوان کمک نماید. تیلور و همکاران (۲۰۰۱) در پژوهشی نشان دادند گرچه نوجوانان پلیس را سختکوش و مفید می‌دانند اما ارتباط‌های آنها با نوجوانان را مبتنی بر تبعیض و عدم صداقت ارزیابی می‌کنند. همچنین بر اساس گزارش سازمان حقوق بشر در سال ۲۰۰۱ در رابطه با شیوه برخورد پلیس با اطفال و نوجوانان آمده است: احتمال آنکه بچه‌های خیابانی، مورد خشونت نیروهای نظامی قرار گیرند به دلایل متعددی بسیار زیاد است. از جمله عدم آشنایی با حقوق خود، عدم توانایی طرح شکایت و عدم بهره‌مندی از حمایت والدین.<sup>۷۰</sup> به عقیده شرمین<sup>۷۱</sup> (۱۹۹۷) پلیس با انجام رفتارهای ناشایست می‌تواند خود به یکی از عوامل افزایش‌دهنده ارتکاب جرم تبدیل شود. توضیح آنکه زمانی که پلیس نتواند با ایجاد رابطه مناسب با کودک و نوجوانان به شیوه غیرپلیسی برخورد نماید و پیش از آنکه نقش حمایتی داشته باشد به طفل و یا نوجوان بزهکار به عنوان یک مجرم (و نه حتی متهم) بنگرد، زمینه برای مراجعه طفل و یا نوجوانان در معرض بزهکاری به واحدهای پلیسی از بین خواهد رفت و این مسأله موجب افزایش امکان بروز بزه می‌شود.<sup>۷۲</sup> در واقع ارتباط پلیس با جامعه باید به گونه‌ای باشد که حضور پلیس بیش از آنکه القاء‌کننده ترس باشد، احساس امنیت را ارتقاء بخشد. برای نیل به این هدف سازوکارهای مختلف ارتباطی پیشنهاد شده است از جمله برخی از نویسندگان به منظور ایجاد ارتباط مؤثر پلیس با بزه‌دیدگان و بزهکاران کودک و نوجوان ایجاد ایستگاه‌های پلیس دوستدار کودک با همکاری سازمان‌های غیردولتی و کودکان، انجام فعالیت‌های مشترک مانند بازی‌های دوستانه ورزشی، فعالیت‌های فرهنگی و برگزاری نمایشگاه‌های مربوط به کودکان میان پلیس و سازمان‌های غیردولتی را پیشنهاد داده‌اند.<sup>۷۳</sup>

۷۰. قماشچی، کودک‌آزاری و پیامدهای آن بر رشد روانی و اجتماعی کودکان آزاردیده.

71. Sherman, "Police Crackdown: Initial and Residual Deterrence".

شاو، «پلیس، مدارس و تجربیات موجود. بررسی مقدماتی تجربیات موجود».

۷۲. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که فقط یک-چهارم جرم‌ها به همت پلیس کشف می‌شود و بقیه بر اثر تعامل مثبت پلیس با شهروندان کشف می‌شود. برای مطالعه بیشتر، نک: نیازپور. «پیشگیری از بزهکاری در قانون اساسی و لایحه قانون پیشگیری از وقوع جرم».

۷۳. قناد، «نقش پلیس زن در پیشگیری از جرایم علیه زنان و کودکان».



همچنین برخورد با طفل در قالب یک نظام خرد، به دور از تهدید و اجبار<sup>۷۴</sup>، ارزیابی مداوم واحدهای پلیسی<sup>۷۵</sup> و همچنین استفاده از سازوکار اخطار<sup>۷۶</sup> پیشنهاد شده است. به علاوه لازم است مگر در موارد استثنائی از بازداشت طفل توسط ضابطان دادگستری خودداری شود چرا که این مسأله فارغ از وارد شدن طفل به نظام عدالت کیفری رسمی فرآیند برچسب‌زنی مجرمانه را در مورد وی تسهیل می‌نماید. گذشته از موارد پیش‌گفته توجه به روحیات و عواطف کودکان و نوجوانان و لزوم مصون ماندن آنها از آسیب‌های روحی و روانی ایجاب می‌کند در پاره‌ای از موارد به خصوص در مورد اطفال و نوجوانانی که در سن کم مرتکب جرم می‌شوند از ضابط قضایی زن استفاده کرد. زنان به علت توانایی محبت‌ورزی بیشتر نسبت به مردان می‌توانند ارتباط عمیق‌تری با کودک ایجاد کرده و ضمن انجام وظایف ویژه، به علت و زمینه‌های بروز بزه توسط طفل یا نوجوان بزه‌کار پی ببرند. قانونگذار ما نیز در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به ضرورت این مسأله واقف شده بر لزوم استفاده از بانوان در سازمان پلیس اطفال و نوجوانان تأکید نموده است.<sup>۷۷</sup>

از دیگر سازوکارهای ارتباطی می‌توان به مواردی از قبیل وجود پایگاه‌های پلیس متخصص، دسترسی آسان و به موقع، تجهیز امکانات پلیس به تلفن‌های تماس سریع در یک شبکه ارتباطی مناسب، تربیت شاخه‌های حرفه‌ای و مجزای نیروی انتظامی در برخورد با جرایم، ارائه آموزه‌های جامعه‌شناسانه، روان‌شناختی و جرم‌شناختی پیرامون درک شرایط آسیب‌پذیری بزه‌دیدگان در دانشکده‌های پلیس و تأکید بر داشتن رفتارهای توأم با همدردی و عاری از هرگونه پیشداوری نسبت به کودکان و تجهیز این شاخه مستقل به امکاناتی برای خارج کردن پرونده از مسیر دادرسی رسمی (قضازدایی)، ایجاد امنیت از طریق همکاری تنگاتنگ با سایر نهادهای قضایی و دولتی، ارزیابی موقعیت طفل و یا نوجوان بزه‌کار و یا بزه‌دیده و سایر افراد تأثیرگذار خانواده، ارائه خدمات فوری مشاوره‌ای، جداسازی طفل از

۷۴. فرزین‌راد، «تبیین حقوقی مسؤولیت کیفری اطفال و نوجوانان و نگرشی بر کارکرد پلیس ایران»، ۱۵۲.

۷۵. کلالی و نیازخانی، «طراحی و اعتباریابی الگوی تربیت پلیس کودکان و نوجوانان جمهوری اسلامی ایران»،

۱۵۳.

۷۶. بر اساس این دیدگاه پلیس لازم است در برخورد با جرایم خفیف اطفال تا حد امکان از تماس طفل با

دستگاه قضایی جلوگیری و به نصیحت و ارشاد کلامی اکتفا کند. نک: عباچی، حقوق کیفری اطفال.

۷۷. ماده ۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری.

موقعیت خطر، ارجاع پرونده به سایر نهادها<sup>۷۸</sup> و اعلام موقعیت‌های پرخطر به والدین اطفال اشاره کرد.<sup>۷۹</sup>

در مقررات بین‌المللی وظایف خاصی برای ظباطان در ارتباط با اطفال در نظر گرفته شده است. اینترپل در دستورالعملی، مواردی را در مورد شیوه عمل پلیس با اطفال و نوجوانان ذکر نموده است از جمله جلب کودک باید در نهایت آرامش صورت پذیرد و به گونه‌ای عمل شود که موجب جلب توجه دیگران نشود. همچنین حتی‌المقدور شایسته است پلیس از لباس شخصی استفاده نماید. عکس‌برداری و انگشت‌نگاری از طفل نیز باید منوط به اجازه مقام قضایی باشد به علاوه طریقه بازجویی باید همراه با ملاحظت و به دور از تهدید و فشار باشد.<sup>۸۰</sup> در بند (۲) قاعده (۱۱) حداقل مقررات سازمان ملل در مورد دادرسی نوجوانان<sup>۸۱</sup> بر ساده و سریع انجام دادن تحقیقات مقدماتی و اقدام بدون رعایت تشریفات عادی در اسرع وقت تأکید شده است. همچنین بند (۱) قاعده (۱۰) ضابط دادگستری را مکلف به اطلاع فوری به خانواده طفل در صورت توقیف شدن کرده است.<sup>۸۲</sup> همچنین محترم داشتن جایگاه حقوقی کودک و نوجوان نیز یکی دیگر از مواردی است که لازم است مورد توجه ضابطان قرار گیرد (بند ۳ قاعده ۱۰). همچنین در رسیدگی به اتهامات کودکان و نوجوانان، مراجع ذی‌صلاح انتظامی و قضایی متصدی کشف، تعقیب، تحقیقات مقدماتی و محاکمه همواره باید مصالح و منافع عالیه اطفال و نوجوانان را نصب‌العین خود قرار بدهند و از هرگونه برخوردی که با شأن، منزلت و اعتماد به نفس ایشان مغایر بوده و شرایط نامطلوب آنها را تشدید کند احتراز نمایند.

همچنین در خصوص به کارگیری روش‌های رفتاری و ارتباطی مناسب می‌توان از تجربه کشورهای پیش رو در این زمینه استفاده کرد. از جمله در ایتالیا، پلیس متخصص اطفال در مقر هر دادگاه اطفال مستقر است و وظایف پلیس قضایی را بر عهده دارد. در صورتی که طفل کمتر از ۱۴ سال مرتکب جرمی شود و مجازات جرم ارتكابی کمتر از ۵ سال حبس باشد

۷۸. کشفی، «نقش پلیس در دادرسی کودکان و نوجوانان»، ۳۷.

۷۹. برای مطالعه بیشتر، نک: حیدریان، «مهارت‌های ارتباطی پلیس با کودکان و نوجوانان».

80. <http://www.interpol.int/contentinterpol/searchtext>, 1968.

81. UN Standard Minimums for the administration of juvenile justice (1985).

۸۲. پس از توقیف نوجوان صورت مراتب به قید فوریت به اصلاح خانواده و یا بستگان او خواهد رسید (بند ۱

قاعده ۱۰).

پلیس می‌تواند طفل را به خانواده او بسپارد در صورتی که طفل خانواده نداشته و یا آدرس آنان مشخص نباشد به طور موقت طفل را به مؤسسه‌ای دولتی سپرده و در اسرع وقت مراتب را به دادگاه اطفال و یا دادستان اطلاع می‌دهند. در این کشور اداره خدمات تخصصی اطفال در دادگستری نسبت به وضع و محل بازداشت اطفال نظارت می‌نماید.<sup>۸۳</sup> در فرانسه، اطلاع سریع وقوع جرم به دادستان توسط ضابطان دادگستری، جمع‌آوری اطلاعات در مورد محیط خانواده و محیط اجتماعی کودک، اطلاع به کانون و کلا جهت تعیین وکیل برای طفل پیش‌بینی شده است. همچنین در این کشور به صورت تخصصی در رابطه با بزهکاری اطفال و نوجوانان از پلیس زن استفاده می‌شود. در ژاپن پلیس ویژه، اطفال و نوجوانانی را که مرتکب جرایم کم‌اهمیت شده و یا در حین ولگردی دستگیر شده‌اند را فوراً به دادگاه خانواده اعزام می‌کند. دانمارک حدود ۳۰ سال است که اقدام به تشکیل پلیس ویژه اطفال نموده است. در این کشور به ضابطان توصیه می‌شود که به نرمی با کودکان سخن بگویند و بگذارند کودک آن‌گونه که می‌خواهد سخنش را تمام کند. با صبر با کودک برخورد کنند و حالت خشک نداشته باشند.<sup>۸۴</sup> همچنین در انگلیس، پلیس متخصص جوانان علاوه بر وظایف پلیسی در پیشگیری از جرایم و تربیت مجرمان، نقش مهمی بر عهده دارد. اطفال و نوجوانان کمتر از ۱۸ سال که در ملاً عام شوونات اجتماعی و نزاکت را رعایت ننمایند و یا با دیگران رفتار شایسه نداشته، پرخاشگری کنند و یا ظن ارتکاب جرم در آینده داشته باشند، به مراکز ویژه نگهداری اطفال معرفی می‌کند. اطفال و نوجوانان مکلفند در اوقات فراغت هر هفته به این مراکز مراجعه کنند و به آموزش علمی اشتغال ورزند. محیط مراکز مذکور تفریحی است و زیر نظر مأموران پلیس متخصص اطفال و جوانان اداره می‌شود.<sup>۸۵</sup> در کشور لبنان نیز پلیس نوجوان بخشی از سازمان پلیس به حساب می‌آید و در هر کلاتتری واحدی جهت رسیدگی به جرایم ارتكابی نوجوانان وجود دارد، در این کشور پلیس نوجوان به منظور آنکه حتی از لحاظ ظاهری نیز شبیه پلیس نباشند یونیفرم نمی‌پوشد. یکی از وظایف مهم ضابطان دادگستری در امریکا که در قوانین مختلف از جمله قانون ایالتی آرکانزاس در ارتباط با اطفال و نوجوانان پیش‌بینی و جزء مسؤولیت‌های اصلی پلیس به حساب می‌آید الزام پلیس به رفتار حرفه‌ای در

۸۳ ملک‌زاده و هاشمی، «بررسی ضرورت تشکیل و تکالیف پلیس زن ویژه اطفال و نوجوانان»، ۱۷۵.

۸۴ نیازخانی و ملک‌زاده، پلیس کودکان و نوجوانان، ۶۱.

۸۵ نیازخانی و ملک‌زاده، پلیس کودکان و نوجوانان، ۱۲۹.

مقابل تمامی کسانی است که به نحوی در ارتباط با ضابطان قضایی هستند. در این کشور دادستان‌های ایالتی موظف هستند علاوه بر نظارت کلی بر ضابطان، نحوه برخوردهای اجتماعی آنها با اطفال و نوجوانان را به صورت مستمر ارزیابی کنند.<sup>۸۶</sup> از دیگر وظایف پلیس ویژه اطفال و نوجوانان در امریکا می‌توان به حضور ضابط قضایی در دادگاه اطفال و نوجوانان، سری نگه داشتن اطلاعات نوجوانان و ارتباط مستمر و مداوم با خانواده طفل بزهکار اشاره کرد. با توجه به توضیحات فوق به نظر می‌رسد در آیین‌نامه مربوط به تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوان لازم است سازوکارهای ارتباطی و رفتاری پلیس به صورت مشخص و با بهره‌گیری از تجارب سایر کشورها پیش‌بینی و به صورت قانونی رعایت آنها از طرف پلیس در رابطه با کودکان و نوجوانان بزهکار و بزه‌دیده الزام‌آور باشد به گونه‌ای که عدم توجه به شرح وظایف ویژه در بردارنده ضمانت اجراهای انتظامی برای پلیس اطفال و نوجوانان شود. در نتیجه تنها در این صورت است که می‌توان انتظار داشت بایسته‌های رفتاری مورد نظر قانونگذار جنبه عملیاتی و اجرایی پیدا کند.

### ۳-۴- پیش‌بینی فرآیند انجام مصاحبه<sup>۸۷</sup> ویژه

یکی دیگر از الزامات پلیس ویژه کودکان و نوجوانان، طراحی فرآیند مصاحبه ویژه است. با توجه به ویژگی‌های شخصیتی کودکان و نوجوانان انجام بازجویی‌های مقدماتی با استفاده از شیوه‌های متداول برای این گروه سنی بسیار آسیب‌زا بوده و می‌تواند اثرات جبران‌ناپذیری به همراه داشته باشد از این رو، لازم است مصاحبه با کودکان و نوجوانان به صورت غیر رسمی و با استفاده از سازوکارهای ارتباطی و حمایتی باشد. به گونه‌ای که کودک، فرد مصاحبه‌گر را نه به عنوان مستنطق بلکه به مثابه دوستی فرض نماید که می‌تواند به راحتی با او صحبت کند، موقعیت خانوادگی و اجتماعی خود را شرح نماید و علت رفتار خود را بیان کند. در رابطه با

86. Job Description of Juvenile Officer, 2013.

۸۷ فرآیند مصاحبه (Interview) متفاوت از بازجویی (Interrogation) است. مصاحبه عبارت است از جمع‌آوری اطلاعات از طریق گفت‌وگوی رو در رو و شفاهی. اهمیت روش مصاحبه یا هنر آن فراهم نمودن فضایی آزاد و صمیمانه است که در آن فرد احساس اطمینان و اعتماد کنند. شروع مصاحبه یا صحبت از موضوع مورد علاقه مصاحبه شونده در ایجاد محیطی آرام و مناسب برای ادامه مصاحبه اثر دارد و مصاحبه‌گر را در به دست آوردن اطلاعات بهتر یاری می‌کند (سالاری نهد، «فرآیند مصاحبه»).

۸۷ حال آنکه در نقطه مقابل به قدرت و فن جمع‌آوری و اخذ اطلاعات صحیح و قابل اعتماد از طریق سوال و جواب کردن و ارزیابی اخبار و اطلاعات مکتسبه و تفکیک حقایق از اکاذیب بازجویی اطلاق می‌شود.

اطفال و نوجوانان، مصاحبه‌گر نباید صرفاً سوال‌کننده باشد بلکه لازم است با تشویق کودک به اظهار نظر، فضایی متفاوتی برای مطرح نمودن موضوعات فراهم کند. مصاحبه‌گر باید هنگام مصاحبه نشان دهد که به گفته‌های مصاحبه‌شونده علاقه‌مند و مشتاق شنیدن و کمک به اوست. توجه به این مسأله سبب می‌شود که مصاحبه‌شونده در مورد مسائلی گفت‌وگو کند که قبلاً فکر نمی‌کرد آن مسائل را برای بقیه اعضای خانواده یا حتی دوستانش مطرح نماید. یونس و اسمولر در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که نوجوانان بحث با والدین را با گفت‌وگو با دوستان خود مقایسه می‌کنند و معتقد هستند که هنگام بحث با والدین باید مواظب گفته‌های خود باشند و بیشتر احساسات واقعی خود را مخفی کنند و در مورد تردیدها و ترس‌های خود هم چیزی نگویند. به همین دلیل به نظر می‌رسد گاهی اوقات کودکان، والدین را مانعی برای بیان مشکلات خود می‌دانند و سعی می‌کنند مطالب را در اختیار کسانی قرار دهند که پذیرای گفته‌های آنان باشند. لذا مصاحبه‌گر باید در شروع مصاحبه رابطه‌ای دوستانه و عمیق با آنها برقرار سازد<sup>۸۸</sup> برای مثال در امریکا یکی از وظایف اولیه پلیس اطفال و نوجوانان انجام مصاحبه مقدماتی از طفل و یا نوجوان بزه‌کار به منظور مشخص شدن وضعیت فردی و خانوادگی و همچنین زمینه‌سازی به منظور انجام فرآیند اعتمادسازی است<sup>۸۹</sup>. بنابراین، پلیس کودکان و نوجوان باید آموزش‌های لازم را در این خصوص به صورت تخصصی از سوی متخصصان علوم ارتباطات و روان‌شناسی دریافت و آنها را در عمل نیز اجرا نمایند. همچنین لازم است در آیین‌نامه تشکیل پلیس اطفال و نوجوانان فرآیند مصاحبه ویژه ضابطان در ارتباط با اطفال و نوجوانان بزه‌کار و بزه‌دیده طراحی و طریقه اجرای مصاحبه به صدور آیین‌نامه جداگانه‌ای در بر دارنده شیوه‌های مصاحبه، سوالات مناسب در فرآیند مصاحبه و طرق ایجاد ارتباط با اطفال و نوجوانان واگذار شود.

### ۳-۵- پیش‌بینی ضمانت اجرای پلیسی

بر اساس مبنای نظری ارائه شده (سیاست تغییر مسیر) و (مدیریت مشارکتی) می‌توان با توجه به ماهیت اقدامات و فعالیت‌های پلیس، ضمانت‌اجراهای گوناگونی برای کودکان و نوجوانان بزه‌کار پیش‌بینی نمود. برای نیل به این هدف استفاده از سازوکارهای قضازدایی به منظور جلوگیری از ارتباط طفل بزه‌کار با نظام عدالت کیفری می‌تواند بسیار مفید باشد. یکی از

۸۸. ملک‌زاده و هاشمی، «بررسی ضرورت تشکیل و تکالیف پلیس زن ویژه اطفال و نوجوانان»، ۱۷۷.

89. Job Description of Juvenile Officer, 2013.

شیوه‌های قضازدایی، اخطار قبل از دستگیری است.<sup>۹۰</sup> در این روش نیروهای پلیس پس از مشورت با اعضای خانواده طفل و مددکاران اجتماعی ممکن است تصمیم بگیرند که با توجه به اوضاع و احوال پرونده نیازی به پیگرد رسمی نیست.<sup>۹۱</sup> همچنین پلیس می‌تواند با تشخیص خود، طفل و یا نوجوان بزهکار را به مؤسسات دولتی و یا خصوصی و مراکز ارائه‌کننده خدمات اجتماعی معرفی نماید و همچنین لازم است اطمینان حاصل کند که خدمات مورد نیاز به او ارائه می‌شود. در انگلستان قانون مصوب سال ۱۹۹۸ به مأموران پلیس اجازه می‌دهد که در برخی از شرایط رفتار کودکان و نوجوانان را کنترل کنند. همچنین در این کشور نیروی پلیس امکان مراجعه به مدرسه طفل بزهکار و آگاهی از شرایط آموزشی و تحصیلی او را دارد.<sup>۹۲</sup> منع رفت‌وآمد یکی دیگر از روش‌هایی است که پلیس می‌تواند در رابطه با اطفال و نوجوانان استفاده کند. مأموران پلیس اجازه دارند تحت شرایط خاص صغار زیر ده سال که ما بین ساعت ۲۱ الی ۶ صبح بدون همراهی والدین و یا یک فرد بزرگسال (حداقل ۱۸) در اماکن عمومی مشاهده شوند را به خانواده و یا در غیاب آنها به ادا پلیس هدایت کنند.<sup>۹۳</sup> البته پیش شرط اعمال ضمانت‌اجراهای پلیسی در رابطه با اطفال و نوجوانان، اعطای آزادی عمل<sup>۹۴</sup> تعریف‌شده در چارچوب قانون است. پلیس باید بتواند بسته به موضوع و طفل بزهکار و یا بزه‌دیده و سایر اوضاع و احوال پیرامونی تصمیم بگیرد استفاده از چه روشی مؤثر خواهد بود تا طفل و نوجوانان را ضمن اصلاح از مواجهه با سایر نهادهای نظام عدالت کیفری مصون نگاه دارد. برای نیل به این هدف به نظر می‌رسد پیش‌بینی مجموعه‌ای از ضمانت‌اجراها با رویکرد حمایتی در آیین‌نامه تشکیل پلیس اطفال و نوجوانان بتواند اثرات مثبتی به همراه داشته باشد و در بسیاری از موارد با توجه به اتفاقی بودن جرایم اطفال و نوجوانان مؤثر واقع شود. پیش‌بینی تدابیری نظیر ارجاع طفل بزهکار به مشاوره، اعلام به والدین و سرپرست طفل، اطلاع به مسؤولان مدرسه، منع رفت‌وآمد در اوقات خاصی از شبانه‌روز به صورت فردی، تحویل طفل بزهکار به مراکز بهزیستی و سایر ضمانت‌اجراها از این دست می‌تواند ضمن

۹۰. مهرا، «بازگشت مداخله نظام کیفری در قبال بزهکاری اطفال و نوجوانان در انگلستان»، ۱۶۵.

۹۱. خدابنده‌لو، «بررسی تطبیقی اطفال بزهکار در حقوق ایران و انگلستان»، ۹۲.

۹۲. قربانی و عمرانی، «مبارزه علیه بزهکاری اطفال در اروپا»، ۳۸.

۹۳. برای مطالعه بیشتر، نک: قربان‌زاده، «پلیس و امکان اعمال جایگزین‌های دستگیری و بازداشت کودکان و نوجوانان».

آنکه به تحقق رویکرد مدیریت مشارکتی در نظام حقوقی و افزایش مسؤلیت‌پذیری مأموران پلیس همراه با اعطای آزادی عمل منجر شود نظام حقوقی را پویا، منعطف و کارآمد سازد.

### ۳-۶- اتخاذ سازوکارهای پیشگیری پلیسی

به لحاظ علمی استانداردهای پیشگیری از جرم در سازمان پلیس به صورت کلی در سه بخش سازماندهی، مدیریت و عملیات قابل طرح است<sup>۹۵</sup> وانگهی در سازمان پلیس عموماً تدوین الگوهای پیشگیری بر اساس مراحل پیش‌گفته مغفول مانده و عموماً بر اساس غالب‌های سنتی کنترل و از طریق هژمونی قدرت، نوع خاصی از پیشگیری انتظامی بر اساس سیطره رویکرد اقتدارگرایی در دستور کار کارگزاران پلیس قرار می‌گیرد. از این رو، به نظر می‌رسد پیش و بیش از هر چیز لازم است ضمن تغییر ماهیت نگرش به پلیس (از کارگزار حکومتی به سازمانی اجتماعی)، الگوهای جامعه‌محور پیشگیری از جرم توسط پلیس با لحاظ گروه‌های مختلف هدف تدوین شود. از این رو، پیش‌بینی سازوکارهای پیشگیری پلیسی در رابطه با جرایم اطفال و نوجوانان اجتناب‌ناپذیر است. راهبردهای پلیسی پیشگیری از جرایم اطفال لازم است پیش از هر چیز با هدف افزایش تعاملات مثبت، اعتمادسازی و آگاه‌سازی و بر اساس آموزهای علوم رفتاری مرتبط با کودکان و نوجوانان طراحی و اجرا شود. یکی از راهبردهای پیشگیری، طراحی برنامه‌های آموزشی گوناگون و متنوع برای اطفال و نوجوانان در سازمان پلیس بر اساس رویکرد ارشادی و در قالب نقش‌های غیر رسمی مانند دوست، معلم و ... است<sup>۹۶</sup>. به گونه‌ای که با ایجاد فضای مثبت آموزشی بر اساس الگوهای حمایتی زمینه‌آشنایی کودکان و نوجوانان با خطرات بالقوه فراهم شود<sup>۹۷</sup> همچنین با افزایش مهارت‌های ارتباطی پلیس - که به عنوان چالش دوم مورد بررسی قرار گرفت - اطفال در

۹۵. هاشمی، روایی و سجادی صابر، «تدابیر آموزشی و عملکرد پلیس در پیشگیری از بزهکاری نوجوانان بررسی موردی شهر مشهد»، ۱۶.

۹۶. در حال حاضر آموزش همگانی درجهت پیشگیری از جرم طی بخشنامه‌های متعدد از وظایف رؤسای کلانتری‌ها و فرماندهان پاسگاه‌های انتظامی دانسته شده است و هدف آن ارتقای سطح آگاهی‌های عمومی در زمینه آشنایی با اصل پیشگیری از وقوع جرایم است. (به نقل از: هاشمی، روایی و سجادی صابر، «تدابیر آموزشی و عملکرد پلیس در پیشگیری از بزهکاری نوجوانان بررسی موردی شهر مشهد»، ۲۲).

۹۷. از جمله برنامه‌های آموزشی که در مدارس توسط پلیس به دانش‌آموزان داده می‌شود، می‌توان به رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی، راه‌هایی که مانع به دام افتادن آنان به دست افراد ناباب می‌شود، نحوه دوستیابی، آموزش به منظور پیشگیری از استعمال مواد مخدر و ... اشاره کرد (همان).

معرض خطر بزهکاری شناسایی و با بر طرف نمودن شرایط مساعد انحراف، زمینه پیشگیری ثانویه فراهم شود و در نهایت با رصد مجموعه فعالیت‌های کودک و نوجوان در محیط‌های گوناگون رفتارهای انحرافی کشف و از طریق سازوکارهای حمایتی و پاسخ‌های مناسب زمینه ارتکاب مجدد بزه از بین برود. استفاده از پلیس مشاور یکی دیگر از سازوکارهایی است که در حقوق امریکا به منظور پیشگیری از جرایم اطفال و نوجوانان پیش‌بینی شده است. در این کشور برنامه‌های مشاوره‌ای ویژه در مدارس در دو سطح عام و خاص انجام می‌پذیرد. برنامه‌های عام با هدف پیشگیری نوع اول و برنامه‌های خاص با هدف پیشگیری ثانویه و نوع سوم اجرا می‌شود. همچنین استفاده از سامانه‌های تلفنی و اطلاعاتی جهت اعلام گزارش‌های مربوط به بزهکاری اطفال و نوجوانان یکی دیگر از راهبردهای پیشگیری به شمار می‌آید. در امریکا حضور پلیس در مدارس، مهدهای کودک و سایر نهادهای آموزشی و به کارگیری مأموران خاص پلیس به عنوان افسران کاردان مدارس از دهه ۱۹۶۰ آغاز شده است<sup>۹۸</sup> نیروهای پلیس در این کشور در مدرسه حضور فعال داشته و به عنوان ابزاری مناسب برای تأمین امنیت مدرسه و پیشگیری اشکال خاصی از بزهکاری نگریسته می‌شوند. ادارات پلیس جامعه‌محور در این کشور مبلغ ۷۱۵ میلیون دلار به ۲۶۰۰ واحد پلیس برای پرداخت هزینه شش هزار افسر کاردان پلیس و مبلغ ۲۱ میلیون دلار برای آموزش افسران پلیس و مدیران مدارس اختصاص داده است<sup>۹۹</sup> پیش‌بینی سازوکارهای پیشگیرانه در رابطه با پلیس اطفال و نوجوانان محدود به اطفال بزهکار نبوده بلکه باید بر پیشگیری از بزه‌دیدگی اطفال و نوجوانان نیز تمرکز داشته باشد. برای نیل به این هدف، لازم است پلیس ضمن نظارت فعال بر مرتکبان جرایم علیه کودک و نوجوان میزان عمل به تعهدات مرتکب در رابطه با طفل و یا نوجوان بزه‌دیده را بررسی نمایند. همچنین کشف و شناسایی کودکان بی‌سرپرست و همچنین کودکان فاقد اوراق هویتی مشخص یکی دیگر از سازوکارهای پیشگیری از بزه‌دیدگی اطفال و نوجوانان محسوب می‌شود. همراهی با کودکان بزه‌دیده در فرآیند رسیدگی قضایی به منظور جلوگیری از بزه‌دیدگی ثانوی، ارائه توضیحات و همچنین راهنمایی طفل بزه‌دیده در فرآیند رسیدگی و خارج نمودن طفل و نوجوان از محیط‌های آسیب‌زا از دیگر مواردی است که می‌تواند به عنوان روش‌های پیشگیری پلیسی از بزه‌دیدگی اطفال و نوجوانان محسوب شود.

98. Buyten, 2003

99. US Dept of Justice Fact Sheet COPS in School 2003, Available at: [www.cops.usdoj.gov](http://www.cops.usdoj.gov)



اخیراً در امریکا نرم‌افزاری<sup>۱۰۰</sup> تهیه شده که افسران پلیس با استفاده از آن می‌توانند اطلاعات دقیق و جزئی مربوط به سوء رفتار بزهکاری دانش‌آموزان، سابقه کیفری و اطلاعات مربوط به دانش‌آموزان بزه‌دیده را ثبت کنند.<sup>۱۰۱</sup> این نرم‌افزار، پلیس و کارکنان مدرسه را قادر به اولویت‌بندی مسائل داخل مدرسه، تعیین راهبرد برای پیشگیری از حوادث بعدی، امکان جست‌وجوی اطلاعات با توجه به نوع حادثه و محل حادثه می‌نماید. بنابراین، با توجه به اهمیت بحث پیشگیری، به ویژه در رابطه با اطفال و نوجوانان پیش‌بینی مجموعه‌ای از سازوکارهای پیشگیری قابل اجرا توسط پلیس در قالب نوع اول، نوع دوم و نوع سوم و با رویکرد مجرم‌مدار، بزه‌دیده‌مدار و موقعیت‌مدار در آیین‌نامه تشکیل پلیس اطفال و نوجوانان ضروری است. به علاوه باید توجه داشت که برنامه‌های مرتبط با اطفال و نوجوانان چه در قالب پیش‌بینی ضمانت‌اجراهای خاص و یا برنامه‌های پیشگیری لازم است مبتنی بر رویکردهای حمایتی و به دور از برخوردهای پلیسی و محدودکننده بوده، رعایت حداکثر منفعت طفل و یا نوجوان را مد نظر داشته باشد و انگهی می‌توان به سان آنچه در نظام حقوقی فرانسه در مورد اطفال و نوجوانان بزهکار وجود دارد بسته به بازه سنی طفل و یا نوجوان بزهکار و همچنین توانایی درک او نسبت به جرم ارتكابی ضمانت‌اجراهای متناسبی را با هدف اصلاح و بازپروری و جلوگیری از تکرار جرم پیش‌بینی و اجرا نمود.

### نتیجه

هرچند پلیس اطفال و نوجوانان به موجب ماده ۳۱ قانون آیین دادرسی کیفری در آینده نزدیک با تصویب لایحه مربوطه تشکیل خواهد شد ولی به نظر می‌رسد تا کنون زیرساخت‌های لازم به منظور تمربخشی و اثرگذاری مثبت این نهاد در نظام حقوقی ایران و سازمان پلیس فراهم نشده است. امری که نه تنها ایجاد پلیس ویژه اطفال و نوجوانان را با چالش‌های جدی مواجه می‌سازد بلکه در صورت تأسیس نیز عملاً به دلیل مشکلات موجود نمی‌تواند کارایی و اثربخشی لازم را داشته باشد. مطالعه تطبیقی موضوع در کشورهای مختلف و از جمله امریکا نشان می‌دهد که این کشورها پیش از تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان و یا حداقل هنگام تشکیل پلیس ویژه با بهره‌گیری از یافته‌های علوم روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و جرم‌شناسی ویژگی‌های خاص اطفال به صورت عام و اطفال بزهکار به

100. School Crime Operations Package

۱۰۱. شاول، «پلیس، مدارس و تجربیات موجود. بررسی مقدماتی تجربیات موجود».

صورت خاص را شناسایی و با انجام مطالعات میدانی در قدم نخست جامعه و در گام بعدی قانونگذار و نهادهای عدالت کیفری را از گستره جرایم اطفال و نوجوانان آگاه و نسبت به ایجاد پلیس ویژه ترغیب نمودند. بررسی‌ها نشان می‌دهد توجه به ویژگی‌های شخصیتی کودکان اهمیت و لزوم پیشگیری از جرایم آتی آنها، نوع جرایم ارتكابی و شیوع کودک‌آزاری‌های وسیع در امریکا، تشکیل پلیس اطفال و نوجوانان را مبدل به امری ضروری برای نظام حقوقی این کشور ساخت. بر این اساس، با توجه به این ویژگی‌ها و با هدف کارایی پلیس ویژه، مجموعه‌ای از سیاست‌ها و سازوکارهای عملی پلیس اطفال و نوجوانان طراحی و در سازمان پلیس اجرا شد. از جمله مهم‌ترین سازوکارهای تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان تغییر ساختار سازمانی و پیش‌بینی ساختار پلیس اطفال و نوجوانان در قالب سازمانی ارگانیک، تقویت حس مسؤلیت‌پذیری افسران پلیس ویژه اطفال و نوجوانان، استفاده از رویکردهای مبتنی بر مدیریت مشارکتی، استفاده از توان سازمان‌های مردم‌نهاد و اتخاذ الگوهای چندنهادی است. در واقع، عدم توجه به این مهم و تشکیل پلیس اطفال و نوجوانان در قالب ساختار سنتی پلیس به هیچ وجه نمی‌تواند در عمل اثرات چندانی در راستای بهبود نظام عدالت کیفری اطفال و نوجوانان به همراه داشته باشد و نمی‌تواند در عمل در مواجهه با بزهکاری و بزه‌دیدگی اطفال و نوجوانان مفید و مثمر ثمر واقع شود. از دیگر سازوکارهای پلیس ویژه اطفال و نوجوانان می‌توان به پیش‌بینی نظام آموزشی خاص به منظور آموزش عملی شیوه‌های ارتباط با اطفال و نوجوانان و طی دوره‌های مهارت‌آموزی ویژه اشاره کرد. به این منظور لازم است افسران پلیس در موقعیت‌های مشابه شرایط واقعی قرار گیرند تا بتوانند با مشکلات احتمالی پیش از انجام کار آشنا شده و سعی در رفع آن نمایند. فرآیند آموزشی ویژه مشخص می‌نماید اصولاً چه کسانی از توانایی لازم جهت کار با کودکان بهره‌مند هستند و می‌توانند به عنوان پلیس ویژه اطفال و نوجوانان انتخاب شوند. پیش‌بینی سازوکارهای رفتاری و ارتباطی مؤثر یکی دیگر از الزاماتی است که لازم است در قالب آیین‌نامه تشکیل پلیس ویژه مورد توجه قرار گیرد. همچنان که پیش‌بینی فرآیند انجام مصاحبه ویژه با کودکان و نوجوانان راهبرد دیگری است که پیش‌بینی آن در قالب آیین‌نامه ضروری به نظر می‌رسد. نهایتاً، اتخاذ ضمانت‌اجراهای ویژه پلیسی با هدف از حمایت از اطفال و نوجوانان بزهکار و بزه‌دیده و شناسایی سازوکارهای پیشگیرانه مجرم‌مدار و بزه‌دیده‌مدار با تمرکز بر پیشگیری نوع اول و دوم و متناسب در رابطه با کودکان و نوجوانان از جمله دیگر الزاماتی است که شایسته است در فرآیند تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان به آنها توجه شود. بررسی

تجارب کشورهای مختلف از جمله امریکا در خصوص پلیس ویژه اطفال و نوجوانان نشان می‌دهد که اولین مسأله در موفقیت و کارآمدی و یا شکست پلیس اطفال و نوجوانان نحوه نگرش اқشار مختلف جامعه از یک‌سو و جامعه هدف (کودکان و نوجوانان) به این نهاد است. سازوکارهای ارائه‌شده در رابطه با تشکیل پلیس اطفال و نوجوانان همگی بر آنند که در وهله اول با تغییر قالب‌های ذهنی نسبت به پلیس از نهادی اقتدارگرا و مولد ترس به نهادی حمایتی و نگهبان امنیت، اعتماد لازم را در کودکان و نوجوانان به این سازمان افزایش داده امکان مداخله اثربخش پلیس در جرایم کودکان و نوجوانان و حمایت از آنها در موقعیت‌های گوناگون را فراهم آورد.

### فهرست منابع

- اقلیما، مصطفی، و غنچه راهب. مددکاری فردی کار با فرد. تهران: نشر دانژه، ۱۳۸۵.
- الیاسی، راحله. «بایسته‌های دادرسی اطفال با تأکید بر جایگاه پلیس». *مجله دانش انتظامی* ۳۶ (۱۳۸۶).
- امیدی، جلیل. «گفتمان سیاست جنایی مجلس هفتم». *مجله حقوقی دادگستری* ۶۲ (۱۳۸۷).
- ایران‌نژاد پاریزی، مهدی. *اصول و مبانی مدیریت*. تهران: پایدار، ۱۳۸۴.
- بوریکان، ژاک. «اطفال بزه‌کار و بزه‌دیده در حقوق فرانسه». ترجمه علی حسین تجفی ابرندآبادی. *فصلنامه الهیات و حقوق* (۱۳۸۹).
- بهارسنجانی، احمد رضا. «بررسی میزان اثربخشی کارگاه‌های آموزشی دادرسی کودکان و نوجوانان از دیدگاه کارآموزان در پلیس ایران». *فصلنامه مدیریت بر آموزش انتظامی* ۴:۳ (۱۳۹۰).
- جهانی، بهزاد، و پریش پورشکیبایی. «جایگاه پلیس ویژه کودکان و نوجوانان در فرآیند دادرسی کیفری». *مجله کارآگاه دوره دوم* ۵:۱۷ (۱۳۹۰).
- حیبی، لیلی، و منیژه فلاحتی. «بررسی و شناسایی عوامل موفقیت نظام پیشنهادات (با تأکید بر بخش دولتی)». *بررسی‌های بازرگانی* ۲۳ (۱۳۸۶): ۸۳-۸۸.
- حسینی، سید قربان. «برنامه‌ریزی آموزشی». <http://hosseinipooyesh.persianblog.ir/post/15> (15/10/1394)
- حیدریان، مریم. «مهارت‌های ارتباطی پلیس با کودکان و نوجوانان». *مجموعه مقالات همایش علمی-کاربردی پلیس و نظام عدالت برای کودکان و نوجوانان*. تهران: معاونت آموزشی ناجا، ۱۳۸۸.
- خدابنده‌لو، اصغر. «بررسی تطبیقی اطفال بزه‌کار در حقوق ایران و انگلستان». *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*. تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۲.
- خواجه نوری، یاسمن. «سیاست جنایی قضایی ایران در قبال کودکان بزه‌کار: جلوه‌ها، چالش‌ها و آثار». *فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم* ۲:۴ (۱۳۸۶).
- خوشابی، کتایون. «گزارش یک مورد سوء استفاده جنسی». *مجله رفاه اجتماعی* ۷ (۱۳۸۲).
- رایبیز، استیفن. *مبانی رفتار سازمانی*. ترجمه قاسم کبیری. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۹۴.
- راهب، غنچه. «بررسی سبب‌شناسی و پویایی پدیده کودک‌آزاری». *طرح پژوهشی پزشکی قانونی*، ۱۳۸۷.

- رضائیان، علی. مبانی سازمان و مدیریت. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۹.
- سالاری نهد، ابراهیم. «فرآیند مصاحبه». <http://www.modiryar.com/index-۱۳۸۸/۱۱/۱۱> management/behavior(10/10/1394)
- شاو، مارگارت. «پلیس، مدارس و تجربیات موجود. بررسی مقدماتی تجربیات موجود.» ترجمه غلامرضا محمد نسل. فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم ۲:۲ (۱۳۸۶).
- عجایی، مریم. حقوق کیفری اطفال. تهران: انتشارات مجد، ۱۳۸۰.
- غلامی، حسین. «الگوها یا گونه‌های عدالت کیفری اطفال.» فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری ۶ (۱۳۹۲).
- فرجیها، محمد و محمدباقر مقدسی. «رویکرد عوام‌گرایی کیفری به عدالت کیفری نوجوانان و جوانان.» مجله آموزه‌های حقوق کیفری ۱۴ (۱۳۸۲).
- فرجیها، محمد. «جرم‌انگاری فرهنگ جوانی.» مقاله ارائه شده در همایش دولت، جوانان و حقوق عمومی، تهران: دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۷.
- فرزین‌راد، رویا. «تبیین حقوقی مسؤلیت کیفری اطفال و نوجوانان و نگرشی بر کارکرد پلیس ایران.» فصلنامه دانش انتظامی ۹:۱ (۱۳۸۶).
- فرزین‌راد، رویا. «شناخت علل روانی و روان‌شناختی ارتکاب جرایم کودکان و نوجوانان.» مجموعه مقالات همایش علمی-کاربردی پلیس و نظام عدالت برای کودکان و نوجوانان. تهران: معاونت آموزشی ناجا، ۱۳۸۸.
- قربان‌زاده، مسلم. «پلیس و امکان اعمال جایگزین‌های دستگیری و بازداشت کودکان و نوجوانان.» مجموعه مقالات همایش علمی-کاربردی پلیس و نظام عدالت برای کودکان و نوجوانان. تهران: معاونت آموزشی ناجا، ۱۳۸۸.
- قربانی، مهدی و سلمان عمرانی. «مبارزه علیه بزهکاری اطفال در اروپا.» ماهنامه اصلاح و تربیت ۷:۷۳ (۱۳۸۷).
- قماشچی، فردوس. کودک‌آزاری و پی‌آمدهای آن بر رشد روانی و اجتماعی کودکان آزار دیده. تهران: معاونت اجتماعی ناجا، ۱۳۸۷.
- قناد، فاطمه. «نقش پلیس زن در پیشگیری از جرایم علیه زنان و کودکان.» فصلنامه فقه و حقوق خانواده ندای صادق ۱۷:۵۶ (۱۳۹۱).
- کاپلار، گرت. مجموعه سخنرانی‌های ارائه شده در زمینه دادرسی ویژه نوجوانان سیون سوئیس. ترجمه حمید مرعشی. تهران: صندوق کودکان سازمان ملل متحد. ۱۳۷۸.
- کاتوزیان، محمدرضا. «بررسی نقش دستگاه‌های نظارتی در مراحل قبل، بعد و هنگام خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی با رویکرد منابع انسانی.» (۱۳۸۷) [irandanesh.febpc.com](http://irandanesh.febpc.com)
- کشفی، سعید. «جایگاه مددکاران اجتماعی و مشاوران پلیس زن در دادرسی ویژه کودکان و نوجوانان.» فصلنامه پلیس زن ۲:۶ (۱۳۸۷).
- کشفی، سعید. «نقش پلیس در دادرسی کودکان و نوجوانان.» فصلنامه دانش انتظامی ۱۰:۱ (۱۳۸۷).
- کشفی، سعید، و حمید هاشمی. «تبیین فرآیند نظام کنترل بزهکاری کودکان و نوجوانان با تأکید بر نقش پلیس.» مجله کارآگاه دوره دوم ۳:۹ (۱۳۸۸).
- کشفی، سعید، و علی اصانلو. «پیشگیری انتظامی از بزهکاری اطفال و نوجوانان.» پلیس زن ۱۵ (۱۳۹۰).
- کلالی، حسن، و مرتضی نیازخانی. «طراحی و اعتباریابی الگوی تربیت پلیس کودکان و نوجوانان جمهوری

- اسلامی ایران. «پژوهشنامه نظم و امنیت انتظامی ۲۰، ۴:۵ (۱۳۹۱).
- گزارش سازمان پزشکان بدون مرز (۲۰۱۴)، قابل دسترسی در [www.doctors without borders.org](http://www.doctors without borders.org)
- لباف، فریبا. «نقش و جایگاه پلیس اطفال در مواجهه با کودک‌آزاری از منظر کارشناسان پلیس و سازمان بهزیستی.» فصلنامه دانش انتظامی ۲:۱۶ (۱۳۹۳).
- ملکزاده، امیر، و حمید هاشمی. «بررسی ضرورت تشکیل و تکالیف پلیس زن ویژه اطفال و نوجوانان.» فصلنامه پلیس زن ۱۴:۵ (۱۳۹۰).
- مدنی، اسلام. «معیارهای دادرسی عادلانه ناظر به اطفال و نوجوانان در لوایح دید؛ با تأملی بر راهبردی از نظام عدالت کیفری انگلستان.» ۱۳۹۱/۱۰/۲۴ <http://www.kermadadgostari.ir>
- موزن‌زادگان، حسنعلی. «سیر تحول قوانین کیفری حمایتی کودکان و نوجوانان در حقوق ایران.» مجله حقوقی دادگستری ۶۲ (۱۳۸۷).
- مهرا، نسرين. «بازگشت مداخله نظام کیفری در قبال بزهکاری اطفال و نوجوانان در انگلستان.» آموزه‌های حقوق کیفری ۱۳ (۱۳۸۹).
- نوری، امیر، عبدالله پیمانی اصل، و سیدسعید کشفی. «الگوی ساختاری مطلوب کلانتری‌ها در رسیدگی به بزهکاری اطفال.» فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم ۱۹ (۱۳۹۰).
- نوه ابراهیم، عبدالرحیم و همکاران. «هدف‌گذاری در الگوی تربیت پلیس کودکان و نوجوانان جمهوری اسلامی ایران.» فصلنامه دانش انتظامی ۲:۱۴ (۱۳۹۰).
- نیازپور، امیرحسن. «پیشگیری از بزهکاری در قانون اساسی و لایحه قانون پیشگیری از وقوع جرم.» مجله حقوقی دادگستری ۴۵ (۱۳۸۲).
- نیازخانی، مرتضی، و امیر ملک‌زاده. پلیس کودکان و نوجوانان. تهران: دانشگاه علوم انتظامی، ۱۳۸۹.
- هاشمی، حمید، اکبر روایی، و سیدعلی سجادی صابر. «تدابیر آموزشی و عملکرد پلیس در پیشگیری از بزهکاری نوجوانان بررسی موردی شهر مشهد.» فصلنامه آموزش در علوم انتظامی ۳:۱ (۱۳۹۲).
- Bartollas and Miller. *Juvenile Justice in America*. Third Edition. Published by Prentice Hall, 2001.
- Garland, D. "The limits of the sovereign state strategies of crime control in contemporary society." *British Journal of Criminology*, 36:4 (1996).
- <http://www.interpol.int/contentinterpol/searchText>, 1968.
- Job Description of Juvenile Officer, 2013.
- McLaughlin, Eugene and John Muncie, *The Dictionary of Criminology*. London, New Delhi: SAGE Publications, 2001.
- Myers, S. "Police encounters with Juvenile Suspect: Explaining the Use of Authority and Provision of Support. Submitted to the faculty of the School of Criminal Justice." University of Albany, in partial fulfillment of the requirement for the degree of Doctor of Philosophy, 2002.
- Police: Handling of Juveniles - Historical Overview and Organizational Structure - Crime, Officers, Policing, and Justice. J. Rank Articles. Available at <http://law.jrank.org/pages/Police-Handling-Juveniles-Historical>
- Sherman, L. "Police Crackdown: Initial and Residual Deterrence." In *Crime and Justice*, Vol. 12, edited by M. Tonry and N. Morris. Chicago: University of Chicago Press, 1990.
- Sickmun, Melissa, and Howard N. Snyder. "Juvenile Offenders and Victims." Available at: <http://www.ojdpd.ojstatbb/nr2006/downloads/>
- UN Standard Minimums for the administration of juvenile justice, 1985.

US Dept of Justice Fact Sheet COPS in School, 2003, Available at: [www.cops.usdoj.gov](http://www.cops.usdoj.gov)  
Walker, James W. "Human resource strategy." New York, *Asia Pacific Journal of Human Resources*, Sage Publications, 1998.

# **Juvenile Police, Requirements and Mechanism (A Comparative Study: American Legal System)**

***Hassan-Ali MOAZEN ZADEGAN (Ph.D.)***

Associate Professor of Criminal Law and Criminology, Allameh Tabataba'i University,  
Moazenzadegan@gmail.com

**&**

***Hossein JAVADI***

Phd student of Criminal Law and Criminology, Allameh Tabataba'i University,  
hossein\_javadi@ymail.com

## **Abstract**

With the passing the age of integrated criminal policy that Considers criminal actors as a unit Elements, Criminal justice systems have attempted to enhance the efficiency and effectiveness of the actions According to the distinctions between different human groups based on the physical and psychological Elements in the field of prevention and response to the criminal phenomenon. One of the aspects of this approach can be seen in Different proceedings in relation to children and adolescents. Now under numerous international conventions Such as Convention on the Rights of the Child (1989) and United Nations Standard Minimum Rules for the Administration of Juvenile Justice (1985), many countries have forecasted special rules in relation to juvenile delinquency and victimization. Juvenile police is a One of the specific institutions In relation to juvenile justice system. Although with the use of juvenile Officer the police can improve the performance of the it's Organization and the criminal justice system in relation to children and young people. But the results of this study show that Formation of the Police without regard to the specific requirements of this age group and without the use of special mechanisms is not effective and eventually causing the obesity and reduce the Performance of police organization. A comparative study in various countries, especially in America shows juvenile police Requires the Changing in the organizational structure, Create the Systematic educational system, Forecast the Communicational and behavioral effective mechanisms, use of special interview process, Forecast police sanctions And adopt police prevention mechanisms. Accordingly, due to the importance of the issue and it's emerging in Iranian criminal justice system this study Deal with legislative developments in relation to the juvenile police in the international arena as well as in Iranian and America legal system.

**Keywords:** special proceedings, law enforcement, judicial police, juvenile police.

# Journal of CRIMINAL LAW AND CRIMINOLOGY

VOL. III, No. 1

2015-1

- **Juvenile Police, Requirements and Mechanism in Iran (A Comparative Study: American Legal System)**  
*Hassan-Ali MOAZEN ZADEGAN & Hossein JAVADI*
- **Protection of Children in Judicial and Non Judicial Mechanisms of Criminal Prosecution of Violation of Their Rights**  
*Reza ESLAMI & Forouzan BAGHERI*
- **Legality: Positivistic Foundation of the Penal Institutions in International Law**  
*Aramesh SHAHBAZI*
- **The Comparison of the Search and Inspection in the Criminal Procedures of Iran and the U.S.A.**  
*Gholam-Hassan KOOSHKI & Sahar SOHEIL MOGHADAM*
- **The Necessity of Avoidance of Human Rights Violations during the Extradition**  
*Seyed Ghasem ZAMANI & Fereshteh BAGHERI*
- ***Khoonsolh*; dealing with Murder in a Traditional Manner**  
*Hossein GHOLAMI & Hossein MORADGHOLI*



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law  
Research & Study